

برگزاری مراسم اول ماه مه در جهان

میلیونها کارگر در سراسر جهان . روز کارگر را با برپایی مراسم مختلف جشن کرفتند

امسال مراسم روز جهانی کارگر در ایران ، متفاوت از سالهای گذشته ، و با شرکت بالنسبه وسیع کارگران برگزار شد. روز اول ماه مه امسال، دهها هزار کارگر در شهرهای مختلف از جمله تهران، تبریز، همدان، سمنان، قزوین، خرم آباد، شهرهای مختلف استان خوزستان و مناطق دیگر به خیابانها آمدند و به شرایط غیر قابل تحمل کار و زندگی شان اعتراض کردند. مطالبات محوری طرح شده در این تظاهرات عبارت بودند از: افزایش دستمزدها، بازنیشستگی پیش ازموعد کارگرانی که به کارهای سخت و زیان آور اشتغال دارند، و رد طرح نمایندگان مجلس، که با تصویب آن، کارگاههای کوچک رسمی "از شمول قانون کار خارج می شوند.

پس از کشتار خوین اواخر دهه ۶۰ که به قلع و قمع کارگران پیشو و فعالان جنبش کارگری، و منوعیت هرگونه اعتراض کارگری انجامید، این نخستین بار است که کارگران در روز اول ماه مه برای طرح مطالبات کارگری و اعتراض به شرایط کاروزندگی شان، به خیابانها میریزند. گرچه سالها پیش رژیم، تحت فشار مبارزه کارگران مجبور شد اول ماه مه را به عنوان روز کارگرو و تعطیل کارگری به رسیت بشناسد، اما طی این سالها، همواره روزجهانی کارگر تحت الشاعر تبلیغات مذهبی واژ جمله سالگرد مرگ مطهّری قرار گرفته است.

صفحه ۲

جنگ قدرت بالا گرفته است

صحنه سیاسی جامعه ایران در چند هفته اخیر، عرصه جنگ قدرت میان جناح های رقیب هیئت حاکمه بود. همانگونه که انتظار میرفت، سال جدید از همان آغاز با درگیری شدید جناح ها همراه بود. هنوز چند روزی از آغاز سال نگذشته بود که جناح وابسته به خامنی انتلاف گسترشده ای را علیه طرفداران خاتمی آغاز نمود. روزنامه زن که وابسته به کارگزاران بود به دستور دادگاه انقلاب اسلامی تعطیل شد . دیوان عالی دستگاه قضائی رژیم حکم مکویت کرباسچی دبیر کل کارگزاران را قطعی اعلام نمود و وی روانه زندان شد. تا مکومیت دو ساله خود را طی کند. طرح استضاح وزیر ارشاد اسلامی، یکی دیگر از سران کارگزاران به مجلس ارجاع داده شد و بالاخره هیئت مرگزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی حکم قطعی خود را مبنی بر عدم صلاحیت پنج تن از منتخبین شورای اسلامی شهر تهران اعلام نمود. همانگونه که از سیر رویدادها استنباط میشود، این جناح در جریان این تعرض، لبه تیز حملات خود را متوجه یکی از گروههای ائتلاف طرفدار خاتمی یعنی کارگزاران نمود . این تاکتیک دلائل و اهداف شخصی داشت . نخست این که جناح وابسته به خامنی با اتخاذ این تاکتیک می خواست از درگیر شدن با کل نیروهای طرفدار خاتمی پرهیز کند. به یک گروه حمله کند و با زدن این گروه که همراه با تضعیف جناح رقیب است، در مرحله بعد دسته جات دیگر را مورد حمله و تعرض قرار دهد . گروه کارگزاران برغم کمیت محدودشان به علت تحریه ای که درهایت و رهبری دستگاه بوروکراتیک دولت دارند، در زمرة کارگرهای اجرائی اصلی کاریهای خاتمی قرار دارند. لذا طبیعی است که از صحنۀ بیرون راند آنها نقش مهمی در استراتژی جناح وابسته به خامنی ای

صفحه ۲

فرمانی که قاریخ صادر کرده است

ویژه‌ای داده است. دو جناح اصلی حکومتی به قصد نجات رژیم، سخت به جدال با یکی‌که برخاسته اند و عجالتاً روش‌های بالنسبه متفاوتی را نسبت به مطبوعات پیشه کرده اند. جناح خاتمی در راستای پیشبرد سیاست‌های خود خواستار آن است که مطبوعات از آزادی‌های نسبی و لو در چار چوب جمهوری اسلامی وقوفیان ان (با تفسیر خاص این جناح از آن) برخوردار باشند . این جناح، هر

صفحه ۳

بجز این حکومتی بیش از پیش تشدید و شکاف میان جناح‌های حکومتی ژرف تر شده است. از درون این شکاف عمق یابنده، فریادهای آزادی طباینه مردم رفع کشیده‌ای که بیست سال است با خشونت تمام سرکوب شده و تحت شدید ترین فشارهای طبقات حاکمه قرارداشته‌اند رسالت می‌شوند و جنبش‌های آزادی خواهانه و مستقل توده ای و لو با افت و خیزهای خاص این دوره، اندک اندک دارند سربر می‌اورند. همین خود ویژه گی شرایط امروز جامعه ایران است که به مطبوعات و روزنامه‌ها نیز جایگاه

در این شماره

تعرضی دیگر به حقوق کارگران

چرا پرونده قتل‌ها مسکوت مانده است؟

ابعاد فاجعه بار حوادث ناشی از کار

گسترش اعتراضات جهانی علیه تجاوز نظامی ناتو به یوگسلاوی

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۸)

پیام و فراخوان مشترک

اطلاعیه ها

اخباری از ایوان

اخبار کارگری جهان

صفحه ۷

صفحه ۸

صفحه ۸

صفحه ۴

صفحه ۵

صفحه ۱۱

صفحه ۱۵، ۱۳

صفحه ۱۱

صفحه ۱۱

چگونه میتوان از تعرض سرمایه داران به تعرض کارگران گذار نمود؟

تعویق در پرداخت حقوق و مزایای کارگران دارد به یک پدیده رایج و عمومی تبدیل می شود . دغدغه از دست دادن کاروبلاتکلیفی، همچون کابوس، جسم و جان کارگران را شب و روز آزاری می دهد . سرمایه داران و کارفرمایان که در اخراج های جمعی و بیکار سازیهای وسیع، تعرض همه جانبه‌ای را علیه طبقه کارگر سازمان داده بودند ، کماکان از این حربه علیه کارگران و برای مقابله با جنبش مطالباتی آنها سود می‌جوینند. در همان حال که صدها هزار کارگر را اخراج و به خیابانها پرتاب نموده و به امان خدا رها کرده اند، فشار کارو استثمار کارگران شاغل را نیز تشدید کرده اند. هیچکس، نه سرمایه دار و صفحه ۲

برگزاری مراسم اول ماه مه در جهان

از جمله شعارهایی بود که در میان پرچم‌های سرخ به چشم میخورد. راهپیمایان سپس در مقابل سفارت آمریکات جمع‌کرده و علیه تجاوزات نظامی ناتو، به تظاهرات پرداختند. پلیس ضد سورش با حمله به تظاهرکنندگان دهها تن را مجروح و تی چند را بازداشت کرد.

در میدان سرخ مسکو، دهها هزار کارگر با درست داشتن پرچم‌های سرخ، روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. "پرداخت دستمزدهای معوقه"، "کار برای بیکاران" و "قطع حمله نظامی به یوگسلاوی" از جمله شعارهای کارگران در این روز بود.

در فرانسه به دعوت دو اتحادیه شر.ت و ث.اف.د. ت مراسmi با شرکت قریب به سی هزار تن در پاریس برگزار شد. کمیته ایرانی برگزاری اول ماه مه نیز همانند سالهای اخیر، در این تظاهرات شرکت نمود. بیش از ۱۵۰ تن از ایرانیان در صفحه مستقل شعار مرگ برجمهوری اسلامی، زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم سردارندواز حق تشكیل برای کارگران ایران دفاع نمودند.

در دانمارک، بنا به سنت هرساله، کارگران در دهها شهر از اولین ساعات روز در محل اتحادیه های کارگری تجمع نموده و سپس به راهپیمائی پرداختند. نمایندگان کارگران در سخنرانی های خود تأکید نمودند که جنگ هیچ نفعی برای مردم کوزوو ندارد. از دیگر مسائل مطروحة طی این مراسمهای افزایش تعطیلات سالانه از ۵ به ۶ هفته بود. برغم دخالت دولت دانمارک و غیرقانونی اعلام نمودن اعتراض عمومی در ماه مه سال گذشته، کارگران همچنان بر این خواست خود بعنوان تنها راه حل کاهش تعداد بیکاران، تاکید نمودند. هر چند اکنون بخشی از کارگران موفق به افزایش تعطیلات سالانه خود شده اند، اما هنوز این خواست به طور سراسری تحقق نیافتد است.

در ایلان، قریب به یک میلیون کارگر راهپیمائی در شهرهای مختلف به موج وسیع بیکارسازیها و اخراج اعتراض کردند. هم اکنون ۴ میلیون نفر در این کشور بیکارند.

در ترکیه، دهها هزار تن در استانبول، با راهپیمائی و تظاهرات، روز اول ماه مه را گرامی داشتند.

در هلند به فراخوان سازمانها و جریانات چپ، تظاهراتی با شرکت حدود هزار تن در شهر رتردام برگزار شد. تظاهرکنندگان از جمله خواهان تعطیلی اول ماه مه و همچنین قطع حمله نظامی ناتو شدند.

در بیانی از دیگر کشورهای جهان نیز روز اول ماه مه راهپیمائی، گردهم آئی و تظاهرات همراه بود.

شوراهای اسلامی کار، و خانه کارگر که سازمانده و هدایت کننده این شوراهاست، طی سالهای گذشته تلاش کرده اند کارگران را برای شرکت در مراسم فرمایشی به کارخانه بکشانند و با برقراری سرویس حمل و نقل میان کارخانه ها و قبر خمینی در عمل روز کارگر را به روز بزرگداشت خمینی تبدیل نمایند. این مراسم فرمایشی با بی اعتمای کارگران روبرو شد و عملاً سال هاست که جز وابستگان به رژیم و اعضا شوراهای انجمن های اسلامی کسی در آن شرکت نمی کرد. امسال که حرکات اعتراضی متعدد کارگران در کارخانه های مختلف به اخراج های گسترده، گسترش بیکاری و کاهش بازهم بیشتر دستمزد واقعی کارگران، از تلاطم در درون کارخانه ها و رشد بیارزات کارگری خبر می دهد، خانه کارگر برای آنکه اوضاع را در کنترل خود داشته باشد، سعی کرد ابتکار برگزاری راهپیمائی اول ماه مه را در دست بگیرد. مسئولان خانه کارگر از وزارت کشور اجازه خواستند روز اول ماه مه در میدان بهارستان، گردهمایی تشکیل دهند. وزارت کشور از دادن اجازه گردهمایی در داری کرد. تظاهرات اول ماه مه در شهرهای مختلف و با شرکت کارگران برگزارشد. شرکت مسئولان خانه کارگر در این گردهمایی ها و ابراز پشتیبانی آنها از برخی مطالبات کارگران، پیام دیگری نداده از اینکه کارگران به اشکال علیه تر و همگانی تر مبارزه روی آورده اند و خانه کارگر تلاش میکند این مبارزات را محدود و کنترل کند.

در سایر نقاط جهان، کارگران اول ماه مه روز جهانی کارگر را به روز مبارزه علیه جنگ و جنگ طلبی دول امپریالیستی تبدیل نمودند و تجاوزات نظامی ناتو به یوگسلاوی را محکوم کردند. در این روز کارگران در راهپیمائی ها و مراسم مختلف، پرچم‌های سرخ را به اهتزاز در آوردند. آخرین روز کارگر در قرن بیست، روز مبارزه علیه فقر و بیکاری و جنگ و خونریزی و روز نمایش همبستگی بین المللی کارگران بود. در کوبا، بیش از نیم میلیون نفر به راهپیمائی در هاوانا پرداختند و سپس در میدان انقلاب تجمع نمودند. طی این مراسم، حمله نظامی ناتو به یوگسلاوی محکوم شد و راهپیمایان خواهان قطع فوری جنگ و خروج نیروهای ناتوان منطقه شدند. کارگران با برافراشتن پرچم‌های سرخ و سردادن شعار "زنده باد سوسیالیسم" این روز را گرامی داشتند.

در شهرهای زاربروکن و برلن آلمان، دهها هزار تن با دست زدن به راهپیمائی و تظاهرات به استقبال این روز رفتند. تظاهرکنندگان با سردادن شعار، خواهان قطع جنگ در یوگسلاوی شدند. در جریان این تظاهرات، پلیس به صورت شدند. در جریان این تظاهرات، پلیس به صورت تظاهرکنندگان حمله ور شد که در نتیجه آن بیش از ۱۵۰ تن دستگیردها تن مجرح شدند. در آن، صدها هزار کارگر در روز جهانی کارگر به خیابانها آمدند و دست به راهپیمائی زدند. قطع جنگ در یوگسلاوی" و "کار برای بیکاران"

جنگ قدرت بالا گرفته است

ایقا میکنند. ثانیاً این انتخاب از آنرو بود که گروه کارگزاران در مجموع، حلقه ضعیف جبهه موسوم به دوم خرداد را تشکیل می‌دهند. چرا که کارگزاران یعنی کسانی که در دوران رفسنجانی در راس دستگاه اجرائی، پیش برند و مجری سیاست های حکومت اسلامی بودند، فاقد هرگونه پایگاه توده ای و اعتبار در میان مردم اند. علاوه بر این، تشکیلات آنها و کلا موجودیشان وابسته به تعداد محدودی از پورکراتهای بالای دستگاه دولتی است. بنابراین درگیر شدن با آنها در استراتژی جناح خامنه ای از اولویت بیشتری برخوردار است تا درگیر شدن با خانتمی و یا مجمع روحانیون. براین اساس نوک تیز حمله متوجه کارگزاران شد و ضربات جدی نیز به آنها وارد آمد. اما با تمام این اوصاف، نتیجه درگیری های اخیر عجالات نه به نفع جناح خامنه ای بلکه به نفع طرفداران خاتمی تمام شد. در جریان جنگ قدرت جناح های هیئت حاکمه در چند هفته اخیر، جناحی که دست به تعریض زده بود، با دو شکست سنگین روبرو شد که تاثیر مستقیمی بر توازن قوای جناح های رقب و تحولات آتی بر جای گذاشت. نخست این که تصمیم وزارت کشور به ابقاء ۵ عضو شورای شهر تهران که هیئت مرکزی نظرارت، صلاحیت اینها را رد کرده بود و نشاندن عبدالله نوری در راس این ارگان دولتی، به معنای این بود که از این پس دستگاه اجرائی تحت رهبری خاتمی در مسائی که به حیطه کار این دستگاه مربوط میشود، تصمیم گیرنده اصلی است و نه نهادها و ارکانهای جناح رقب. این روی داد از هم اکنون راه را برای رویاروئی آشکار و زارت کشور خاتمی با شورای نگهبان و نظارت استصوابی آن در جریان انتخابات آینده مجلس ارتجاع اسلامی هموار نمود. اگر وزارت کشور از این قدرت برخوردار است که تصمیم هیئت مرکزی نظارت را و تو کند، همین رویه می تواند در برابر تصمیمات شورای نگهبان نیز اتخاذ گردد. از این رو، این روی داد شکست سیاسی سنگینی برای جناح وابسته به خامنه ای است. اما از این شکست سنگین تر، ابقاء وزیر ارشاد اسلامی کاپینه خاتمی در پست خود، در جریان استیضاح بود. جناح رقب خاتمی تمام نیروی خود را بسیج کرده بود تا با استیضاح و پرکنای مهاجرانی، پرسیاست باصلاح تساهل و تسامح خاتمی خط بطیان بکشد و سیاست خود را به جای آن بنشاند. اما شکست استیضاح کنندگان و رایی که اکثربت به ابقاء مهاجرانی داد، نتیجه ای کاملاً معکوس به بار آورد. سیاست خاتمی و وزیر ارشادش نه تنها مردود اعلام نشد بلکه مهر تائیدی نیز بر آن زده شد. این بدان معناست که خاتمی از این پس میتواند بدون هراس از جناح رقب سیاستهای خود را در عرصه فرهنگی پیش ببرد. اما شکست استیضاح کنندگان، نتیجه مهم دیگری هم در پی داشت، توازن شکنندگان در ارتجاع را به نفع خاتمی برهم زد و از این پس جناح رقب دیگر قادر نخواهد بود، از اهم فشار مجلس و استیضاح برای پیشبرد سیاست های خود و مقابله با جناح با این تحولات و توازن قدرتی که در پی آن، میان جناحهای رقب پدید آمده است، احتمال رو در روابط و درگیری طرفداران خاتمی با جناح دیگر افزایش یافته است. جناح وابسته به خامنه ای که در وقایع دو سال اخیر پیوسته با شکست روبرو شده و هیچ چشم اندازی برای شکست سیاسی رقبای خود نمی بیند، تنها حریمی از زور و سرکوب رسمی و غیر رسمی از ایازارهای زور و سرکوب رسمی و غیر رسمی است. این جناح، اکنون دیگر بیش از پیش به این ایازار چشم امید بسته است.

فرمانی که تاریخ صادر کرده است

مسئولیت آن هم با یک زن، پس دهها زن بسیجی هم برای اعتراض به عمل کرد فائزه رفسنجانی به جلو مجلس فرستاده شدند تا در آنجا با شعارهای نظری "ماحاماً قرآنیم در مجلس اسلامی، قطامه نمیخواهیم" خواهان اخراج وی از مجلس و برجین بساط روزنامه ها و مطبوعاتی شوند که در آن ها به ارزش های اسلامی اهانت میشود. در فضا سازی علیه جناح خاتمی و مطبوعات، اگر علم کردن پرونده کرباسچی شهردار تهران هم می توانست کم کند و موضوع فشاری باشد، پس دستگاه قضائی در طرح دوباره این پرونده هم تردید نکرد و ضمن رد درخواست فرجم خواهی کرباسچی، برحکم قبلی دادگاه (از جمله دو سال زندان) تأکید دوباره نهاد. برای کوتاه کردن زبان مطبوعات و نویسندها، این ها هنوز کافی نبود و لازم بود تا چهره های بنامی که دائمآ شمشیرها را بر فراز سر خود می چرخانند و هر لحظه آماده اندتا آن را برگردانی و یا زبانی فرود آورند نیزوارد صحنه شوند. پس سر و کله رحیم صفوی هم دو باره پیدا شد و به "قلم های زهرآگین" و "سموم" هشدارداد. سرتیپ سردارنقی نیز "قلم های سموم" را تهدید کرد و صاحبان آنها را "هدست تروریست" ها و قاتلین صیاد شیازی خواند. شماری از روزنامه نگاران و نویسندها اینجا بار دیگر مورد تهدید و ضرب و شتم قرار گرفتند. روزنامه های وابسته به جناح یزدی چنین بشارت می دادند که در ماه محرم نبرد خون و شمشیر ادامه خواهد یافت. "جبهه‌ی آقای ده نمکی که بجای "شلمچه" منتشر می شود، ضمن آنکه می نوشت و شعار می داد "مطبوعات بی بنداد، شریک قتل صیاد" برای رسیدن ماه محرم و تعیین تکلیف با مطبوعات مستقل و نویسندها بی صیری میکرد. زمینه ها بقدر کافی برای ریختن خون مطبوعات در ماه محرم آماده شده بود. تمام اینها حکایت از آن میکرد که جناح یزدی، توطئه وسیعی را علیه مطبوعات و نویسندها تدارک دیده است و یک روز بیشتر به آغاز ماه محرم نمانده بود.

خاتمی تهدید به افشاگری کرد

حمله به مطبوعات که در این لحظه با حمله به وزیر خاتمی و سیاستهای وی گره خورده بود، سرانجام رئیس جمهور را هم به عکس العمل واداشت و اورا ناگهان به یاد آدم ربائی ها وقتل فجیع نویسندها توسط مامورین اطلاعات انداخت. او درستخانی که بیست و هشتم فروردین ماه یعنی یک روز قبل از آغاز محرم در جمع استانداران ایراد نمود، در پوشش حمله به "گروههای بی نام و نشان" که تحت عنوان "قدسات" فعالیت میکنند و به تلاشی وسیع و "شیطنت آمیز" دست میزنند، چنین هشدار داد که اگر این شیطنت ها تداوم یابد، او هم که تا کنون "برای جلو گیری از تشنج در جامعه" درمورد این مسئله سکوت کرده و به "افشاگری" نیزداخته است، "بعد و سرنخ ها" ای این قضیه را "برملا" خواهد کرد.

صحبت های خاتمی پیرامون افشاگری، قطع نظر از این مسئله که قبل از هرچیز یکبار دیگر، چهره خود وی را در پنهان کردن حقایق از چشم و انتظار مردم افشا و برملا کرد، اما تهدید هائی را نیز در دل خود حمل می نمود. این سخنان که از سوی طرفداران او خاتمی "قطاعنه" تلقی گردید، راه را بر طرفداران او

به وزیر ارشاد و حتی رئیس جمهور نیز هشدار داد. این تهدیدها که بعداً هم از زبان وی تکرار شد، تهدید توخالی نبود. همینکه نخستین شماره روزنامه حاکم و نشریات بعد از پایان تعطیلات منتشر گردید، تهدید گران هم جهت اجرای تهدید خود دست بکار شدند. برای بریدن سرمطابعات و بستن دهان ها، آنها از یک جائی میباشند شروع میکرند و بهانهای میداشتند. قرعه بنام روزنامه "زن" افتاد که مدیر مسئول آن فائزه هاشمی رفسنجانی، یکی از اعضاء اصلی کارگزاران سازمانی است. چاپ چند جمله از سخنان فرح دیبا و بعد هم کاریکاتوری در مرور ۱۷ "دیه" کافی بود تا دادگاه انقلاب اسلامی در ۱۷ فروردین، در آن را تخته کند. با این اقسام جناح یزدی، یعنی تعطیلی روزنامه ای که مدیریت آن را دختر رئیس جمهور قبلی و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام فعلی بر عهده داشت، علی القاعده سایر روزنامه ها و نشریات، بویژه روزنامه ها و نشریات مستقل یا نیمه مستقل هم که به چاپ می رسید و اصولاً کلیه روزنامه نگاران و نویسندها آزادیخواه نیز باید حساب کار خود را می کردند. جناح یزدی اینجا در واقع از کانال روزنامه "زن" هم کارگزاران وهم وزیر ارشاد (که او هم از اعضاء اصلی کارگزاران است) را به مصاف طلبید بود، و هم در برایر سیاستهای او که سیاستهای خاتمی بود. در برایر این حمله که می باشیتی راه را برای حمله به سایر روزنامه ها و مطبوعات می گشود و هموار می کرد، نه فقط وزارت ارشاد با صدور بیانیه ای رسیدگی به تخلفات و جرائم مطبوعاتی را در حیطه وظائف و اختیارات دادگاه مطبوعات دانست و لذا اقدام دادگاه انقلاب را "افق و جاهت قانونی" شمرد، بلکه موج مخالفت با این اقدام و محاکمیت آن، از همه سو و قبیل از همه از جانب روزنامه ها و جامعه مطبوعاتی بالا گرفت. با این همه وزیر ارشاد از موضوعی پائین و غیر جنجالی چنین اعلام کرد که وزارت ارشاد هیچگاه داعیه تبیین مبنای اسلام را نداشته است، اما اینکه چه مواردی مخل ب مبنای دینی است، "تشخیص و تفصیل آن با قانون" است. آقای وزیر به رئیس قوه قضائیه توضیح داد که در "شورای عالی فرهنگی" و در حضور شخص رئیس شورای فرهنگ عمومی "واکذار شده است که این شورا نیز از افرادی خارج از وزارت ارشاد و از جمله "صاحب نظرانی از حوزه علمیه قم" تشکیل شده است. وزیر ارشاد، با بیان این که وزارت ارشاد در این زمینه که چه چیزی مخل ب مبنای اسلام است تصمیم گیری نمی کند، و نیز از طریق تاکید مجدد بر قوانین اسلامی و صحنه گذاشتن بر صلاحیت و حق ویژه روحانیون در تشخیص و تفسیر این قوانین، سعی کرد یزدی و جناح وی را کمی آرام کند.

اما این سخنان، تاثیری در نقشه های تدارک دیده شده یزدی و جناح وی بر جای نگذاشت. اوردهمان حال که اقدام روزنامه "زن" را یک عمل ضد انقلابی خواند و رسیدگی به آنرا نیز وظیفه دادگاه انقلاب اسلامی دانست، سرگرم بسیج بسیجان و امت همیشه در صحنه بود و از آنجا که این بار موضوع، در گام نخست روزنامه "زن" بود و

چند که لایه معینی از بورژوازی را نمایندگی میکند، اما در اساس هدفش نجات کلیت رژیم جمهوری اسلامی و سرو سامان بخشیدن به کل نظام حاکم است. معهذا پیشبرد و اجرای این سیاست، در جامعه ای که دست کم دو دهه (فرض آنکه دوران طولانی استبداد سلطنتی را هم درنظر نگیریم) زیر فشار استبداد اسلامی فشرده تر شده و به جبر و زور مختنق نگاه داشته شده است، نمیتواند تماماً طبق امیال و نقشه های این ها پیاده شود و فرضاً در دایره ای که خواست اینهast مسدود گردد یا دامنه اش در اندازه مورد نظر اینها محدود شود. چنین است که از این فضای نه فقط جناح خاتمی که برای پیشبرد اهداف خویش نیازمند آن است، بلکه هر قشر و طبقه ای و لو نه به یک اندازه و گاه بسیار نا متساوی میتواند سهمی بردارد. اگر کارگران و توده های زحمتش مردم، کثیرالعده ترین اشاری هستند که سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی بیش از هر کس مشمول حال آنان شده است، پس آنان نیز می توانند از این فضای موسیچیانه به نفع خود استفاده کنند و مستقلان" به میدان بیایند، خصوصاً آن که از قبل ارمغان جمهوری اسلامی، یعنی وحامت اوضاع اقتصادی و معیشتی نیز، استعداد و آمادگی ابراز وجود و شرایط بالقوه چنین به میدان آمدنی راه مارند.

جناب دیگر حکومتی اما نجات جمهوری اسلامی را در سرکوب و اختناق بیشتر و بستن کامل دهانها جستجو میکند. این جناح هرچند که تحت عنوان "اخلاص در مبانی اسلام" به مطبوعات حمله میکند، اما هدفش در اساس منکوب کردن توده مردم است. از نظر این جناح حمله به مطبوعات و بستن روزنامه ها و سیله و مقدمه ای است برای خفه کردن آحاد جامعه. از همین روست که سران این جناح مکرر در مکرر علیه مطبوعات و نویسندها آشکارا شمشیر کشیده اند و می کشند.

تهاجم آخر، اما نه آخرین تهاجم

نمونه آخر از این دست حملات را که یقیناً آخرین نمونه نخواهد بود، آقای یزدی رئیس قوه قضائیه در تعطیلات نوروزی یعنی درست روزهایی که مطبوعات هم انتشار نمی یافتد، تدارک دید. مقدمات آن را در اولین نماز جمعه سال جدید در تهران چید تا روزهای بعد آن را به اجرا در آورد. آقای یزدی که یکی از مرتعجین بنام و شخصیت های اصلی جناح مخالف خاتمی و از طرفداران پرو پا قرص سرکوب و خشونت حداکثر است، در صحبت های خود طبق معمول خیلی واضح و صریح، نه فقط روزنامه ها و مطبوعات را که هرچه دلشان میخواهد مینویسند و "مبانی اسلام" را زیر سؤال میبرند، شدیداً تهدید کرد و از دستگیرهایا و بازداشت های عنقریب خبر داد، بلکه همچنین وزارت ارشاد و مسئولین آن را که اساساً از مبانی اسلامی سردرمنی آورند و نمی فهمند چه چیزهایی اخلاقی از میانی اسلام است و از همینزو به روزنامه "زن" در صحنه بود و از آنجا که این بار مطلب آنها مخل ب میانی اسلام محسوب میشوند، شدیداً مورد حمله قرار داد و در این مورد

گسترش اعتراضات جهانی علیه تجاوز ناتو به یوگسلاوی

بیش از یکماه از تجاوز نظامی کشورهای عضو "ناتو" به یوگسلاوی میگذرد. دول امپریالیستی که ظاهرا به بهانه "دفاع از حقوق بشر" آتش جنگ را برافروخته اند، هفتاه است که مردم بیدفاع را زیر بمباران و موشک باران قرارداده اند. طی این مدت بیش از ۶۰۰ هواپیمای جنگی، بلاوفده اهداف نظامی و غیر نظامی را مورد حمله قرار داده اند. آمار منتشره از سوی رسانه های گروهی دولتهای درگیر، حاکی از به هلاکت رسیدن بیش از صد تن از مردم غیرنظامی است. صدها هزار اواره و بی پناه در کشورهای همچوار، فاقد هرگونه امکانات بهداشتی و غذائی سرگردانند.

علیغیرم اعمال سانسور شدید برسانه های گروهی و جعل اخبار و اقعیات جنگ، دامنه اعتراضات علیه جنگ و جنگ طلبی، در سراسر جهان گسترش میابد. در اولین روز جنگ، هزاران تن در اسکوپیه علیه حملات نظامی ناتو، به تظاهرات پرداختند و به ساختمان سفارت آمریکا در این شهر حمله کردند. تظاهرکنندگان خواهان توافق فوری بمبارانها شدند.

بیش از دومیلیون کارگرو کارمند روز ۲ آوریل در یونان، دست از کار کشیده و به تظاهرات علیه حمله نظامی ناتو پرداختند. این حرکت وسیع و توده ای که بیانگر مخالفت با جنگ و جنگ طلبی بود از زیر تیغ سانسور خبری اکثر رسانه های گروهی جهان رد نشد و انعکاسی نیافت.

در ایتالیا، روز ۲۴ آوریل بیش از دویست هزار تن در رم دست به تظاهرات زدند. در میلان، کنسولگری آمریکامورده محله تظاهرکنندگان قرار گرفت. در شهر ناپل، راهپیمائي اعتراضي، باحمله پلیس به تظاهرکنندگان، به درگیری انجامید.

در بلگراد پایتخت یوگسلاوی روز ۲۴ آوریل بیش از ده هزار تن ضمن راهپیمائي در خیابانها، خواهان توافق بمبارانها شدند.

در پنجاه مین سالروز تاسیس ناتو، بیش از ده هزار تن در شهر بن‌المان به تظاهرات پرداختند. پلیس تظاهرکنندگان را مورد حمله قرار داد که درنتیجه آن دهها تن زخمی گشتد.

در روسیه، هلندو بلژیک نیز هزاران تن با دست زدن به تظاهرات و راهپیمائي مخالفت خود را با سیاستهای جنگ طلبانه دول امپریالیستی به نمایش گذارند. همچنین پس از بمباران مرکز رادیو_تلویزیون یوگسلاوی، اعتراضات جهانی علیه حملات ناتو به یوگسلاوی گسترش یافت.

فرمانی که تاریخ صادر کرده است

دراینجا در روز یازده اردیبهشت میباشیست میجید. اقای مهاجرانی واصولاجریان کارگزاران سازندگی، که یکبار در قضیه تعطیلی روزنامه جامعه علیه گردانندگان آن و برله تعطیلی و توقف انتشار آن موضع گرفته و موضع خود را با خواست و موضع جناح یزدی به انتباط کشیده بود، و یک بار هم در قضیه انتخابات مجلس خبرگان از رئیس جمهور کمالاً فاصله گرفته و به جناح مقابل او نزدیک شده و با آن ائتلاف کرده بود، در اینجا می باشیست یا بطور کامل به خواست این جناح تمکن کند، یا عجالتا در خط توسعه سیاسی و سیاستهای رئیس جمهور گام زند و سطح توقعات جامعه مطبوعاتی را نیز بخشا در نظر بگیرد. بیرون از مجلس اما شرایط جامعه و خواست مردم به پیشروی برای کسب آزادی های سیاسی بنحوی نبود که حتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم که کارا برای مدیران مسئول مطبوعات تذکرات تکنی فرستاده بود، بتواند آن را نادیده بگیرد. و چنین بود که مهاجرانی و زیر فرهنگ و ارشاد و عضو موثر کارگزاران سازندگی این بار راه دوم را برگزید و از سیاستهای اعمال شده به دفاع برخاست.

در مجلس که پیش از این اکثریت اش با جناح یزدی بود، بر خلاف انتظار این جناح، در برابر ۱۲۱ رأی که خواهان برکناری وزیر ارشاد شده بودند، ۱۲۵ نفر به آن رأی مخالف دادند و در نتیجه مهاجرانی در پست وزارت ارشاد ابقا شد. ماحصل، باز هم افتضاح و شکست جناح یزدی بود و آخرین تیرانداز شده این جناح هم به سنگ خورد. کشمکش برسر مطبوعات و نویسندهان و دور جدید تهاجمات جناح یزدی، اگر چه سرانجام با شکست این جناح پایان یافت، اما این قضیه بمعنای خاتمه این جنگ و جدال ها نیست. اندیشه و بیان همچنان در بند موضوع مبارزه مردم است. از همان فردای اباقا و وزیر ارشاد، رسالت، کیهان و سایر روزنامه های این رضایتی میگذرد. همچنان بر تغییر سیاست ها و محدود تراصحت دامنه فعالیت مطبوعات و نویسندهان اصرار ورزیده اند، از سوی دیگر نویسندهان، روز نامه نگاران و مطبوعات غیروابسته به این جناح، در همان حال که شبیت به محدودیت های موجود ابراز نا رضایتی میگذرد، در بیم و هراس اقدامات بعدی جناح شکست خورده و باندهای مهاجم وابسته به آن بسیار می بروند. هیچگونه نشانی از توقف تحرکات و تهدیدات این باندها دیده نمیشود. با اینهمه مجموعه این جدالها و لشکر کشی علیه مطبوعات و نویسندهان، بار دیگر این حقیقت را به اثبات می رسانند که، گام های مطبوعاتی و نویسندهان و روزنامه نگاران، طی دو ساله اخیر مراحلی را طی کرده اند، پیچ و خم های را پشت سر نهاده و تجارب زیادی نیز آموختند و در مقایسه با سالهای گذشت، گام هایی نیز به جلو برداشتند. مستقل از تمامی اهداف و مقاصد جناحهای حکومتی دراین کشمکشها، حمله های افتخارات شوراهای اسلامی شهر و روستا، آنهم در حالیکه مدتی از این مسئله گذشته بود، بار دیگر صلاحیت پنچ تن از افراد وابسته به جناح خاتمه را که ظاهرا بیشترین آرای را بخود اختصاص داده بودند، رد کرد. اما روز نهم اردیبهشت ماه که خاتمی نحسین اجلال این شورا را در شهر تهران افتتاح می کرد، بر قانونی بودن انتخاب آنها که وزارت کشور هم آن را تائید کرده بود، صحه گذاشت و یکبار دیگر رد صلاحیت این افراد، رد شد و جناح یزدی در اینجا هم نتوانست کار چندانی از پیش ببرد.

سرانجام تمامی اقدامات جناح یزدی علیه مطبوعات و برأی محدودیت دامنه فعالیت روزنامه نگاران و نویسندهان، اکنون به کشاندن وزیر فرهنگ و ارشاد به مجلس متنه شده و در استیضاح مهاجرانی که استیضاح سیاست های خاتمه هم بود، تبلور یافته بود. جناح یزدی، محصل تهاجمات دو ماهه اش را

قاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۸)

دوران انتربال دوم

اقداماتی علیه اتحادیه کارگران بود. هرچند که مقاومت کارگران درهای شکست، اما روحیه مبارزاتی را در جنبش کارگری ایالات متحده بالا برپر. اعتصابات ۱۹۱۰ اغلب با پیروزی پایان یافتند که مهمترین آنها اعتصاب گستردگی کارگران کارخانه‌هایی بودند که دوزی درنیویورک بود. در آنها اعتصابات کارگران راه آهن در شیکاگو و ایلی نویز بود. در سالهای ۱۹۱۲-۱۹۱۳ معدنکاران ویرجینیای غربی دست به یک اعتصاب شناختن اتحادیه خود و کسب مزایایی بودند که کارگران معادن در مناطق دیگر بدست اورده بودند. از جمله اعتصابات دیگر، اعتصاب کارخانه‌های لاستیک سازی اوهايو و اعتصاب کارگران بافتده لورنس در ۱۹۱۲ بود. اعتصاب ۲۵۰۰ کارگر بافتده دوماه به درازا کشید. این اعتصاب با پیروزی کارگران پایان یافت و دستمزد کارگران افزایش یافت. افزایش دستمزد کارگران لورنس، باعث شدکه دستمزد کارگران نیوانکلند نیز افزایش یابد. یکی از طولانی‌ترین اعتصابات کارگران آمریکائی در ۱۹۱۲ اعتصاب کارگران پاترسون بود که هفته‌های ادامه داشت و تقریباً تمام کارگران شهر که تعداد آنها به ۲۲۰۰۰ دستمزد در آن شرکت داشتند. کارگران در جریان این اعتصاب، یک کمیته اعتصاب ۳۰۰ نفره و یک کمیته اجرائی ۱۵ تا ۲۰ نفره تشکیل داده بودند. طولانی شدن بیش از حد این اعتصاب، کارگران را از پای در راورد و این اعتصاب به شکست انجامید. مهمترین رویداد جنبش کارگری آمریکا در این دوره اعتصاب ۹۰۰ کارگر معادن کلرادو در ۱۹۱۴ بود که ۱۵ ماه ادامه داشت. در جریان اعتصاب، سرمایه داران کارگران را از خانه هایشان بیرون راندند. کارگران معادن بازden چاره‌های درهمان منطقه به مبارزه خود ادامه دادند. اقدامات متعدد دولت و سرمایه داران برای پایان بخشیدن به اعتصاب کارسازی‌افتداد. نیزهای مسلح برای فروشندهان اعتصاب گشیل شدند. آنها کارگران را به گلوله بستند و تعدادی را به قتل رساندند. کارگران معادن نیز مقتاپلاً دست به اسلحه برداشتند. تمام منطقه‌را با چذین دهدکه به تصرف خود مسلح‌خانه میان کارگران و نیروهای دولتی ارزش ادامه داشت، کارگران مسلح‌خانه میان کارگران و نیروهای دولتی ارزش تسلیمه شدند.

اعتصاب کارگران در فرانسه نیز با حدت تمام ادامه داشت. اعتصاب عمومی کارگران راه آهن به منظور افزایش دستمزد و برخی مطالبات دیگر که یک هفته به طول انجامید، اعتصاب ۵۰۰۰ تن از کارگران ساختمان بخاطر ۸ ساعت کار روزانه، اعتصاب معدنچیان، اعتصاب ملوانان و باراندازان مارسی، اعتصاب کارگران ماشین سازی رنو که ۶ هفته ادامه داشت، اعتصاب عمومی کارگران فلن مارسی و تظاهرات صدها هزار کارگر در ۱۹۱۲ علیه جنگ و محدودیتهایی که دولت در مورد اعتصابات و تظاهرات ایجاد کرده بود، نمونه هایی بر جسته مبارزات کارگران فرانسوی درین دوره بودند.

در دیگر کشورهای اروپائی از جمله درایتالیا، اتریش _ مجارستان، اسپانیا، بلژیک و دیگر کشورها در همین دوره صدھا اعتصاب و ظاهرات رخ داد.

اما حادترین نبرد طبقاتی این دوران در روسیه در جریان بود. پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵، جنبش کارگری روسیه با یک افت کوتاه مدت رو برو بود که تنها تا ۱۹۱۰ ادامه داشت. از ۱۹۱۰ محدوداً جنبش کارگری روسیه اعتلایافت و در مدتی کوتاه اعتضای گسترده‌ای سراسر روسیه را فراگرفت. در ۱۹۱۱ اعتضای کارگری در مقایسه با سال قبل از آن به دو برابر افزایش یافتد. اعتضای کارگران معادن طلای لنا در ۱۹۱۲ آغاز مرحله جدیدی در این اعتلا جنبش بود. مداخله نیروهای سرکوب و دستگیری تعدادی از کارگران برای سرکوب اعتضای، منجر به تظاهرات کارگران معادن طلای لنا برای ازادی دستگیر شدگان شد. نیروهای مسلح با وحشی گری تمام کارگران را به گلوه بستند. ۲۷۰ کارگرگشته و ۲۵۰ تن زخمی شدند. موج اعتراض به این ددمنشی سراسر روسیه را فراگرفت. لذا در آوریل ۱۹۱۲، اعتضای سیاسی صورت گرفت. در این سال متجاوز از یک میلیون کارگر دارعتضای شرکت کردند. در چندین شهر مهم روسیه از جمله مسکو و سوئتزربورگ تظاهراتی برپا گردید. کارگران به شکلی گسترده‌تر به اعتضای روى می‌اوردند. در سال ۱۹۱۳ بیش از دو میلیون کارگر در اعتضای شرکت کردند. اهمیت این اعتضایات بویژه در درین بود که ۶۰ درصد آنها اعتضایات سیاسی تشکیل میدانند.

و سمعت و گستردگی اعتصابات در اعوام کشورهای سرمایه داری به درازا کشیدن اعتصابات حتی به مدت چند ماه ، رشد اعتصابات سیاسی، تظاهرات و درگیری های خیابانی و آکسیونهای کارگران علیه جنگ همگی بیانگر این واقعیت بود که جنبش بین المللی طبقه کارگرخواه مرحله ای از رشد و اعتلا خود رسیده که میتواند به نیزه ای و تعیین کننده با بورژوازی و نظام موجود برخیزد. اما با آغاز جنگ جهانی اول تداوم این اعتلا متوقف گردید، مبارزه طبقه کارگر افت کرد و جنبش بین المللی طبقه کارگر با یک عقب نشینی روپرتو گردید. عامل اصلی این عقب نشینی و افت مبارزات کارگری، اغلب احزاب سوسیال دمکرات و رهبران اتحادیه های کارگری بودند که

گسترش مبارزات و اعتلا جنبش بین المللی طبقه کارگر با آغاز دهه دوم قرن بیستم جنبش بین المللی کارگری، وارد مرحله نوینی از رشد و اعتلا گردید. در فاصله سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۴ که جنگ جهانی اول آغاز گردید، مبارزات طبقه کارگر در عموم کشورهای سرمایه داری به رشد و گسترش بی سابقه ای رسید و موج اعتضادهای و نظاهرات تقدیریبا تمام کشورهای سرمایه داری را فراگرفت. در آلمان برغم سیاستهای اپورتونیستی حزب سوسیال دمکرات و مخالفت بوروکراسی اتحادیه‌ای، در ۱۹۰۹ کارگران معادن ماسنفلد حول خواستهای رفاهی و حقوق سیاسی کارگران، اعتضادی را آغاز نمودند که عهده به طول انجامید. این اعتضاد به هزار نفره که انعکاس گستردگی ای در آلمان یافت و مورد حمایت و پشتیبانی عموم کارگران قرار گرفت، آغازگر موج وسیعی از مبارزات کارگری بود. لذا سال ۱۹۱۰ با یاکرشنده اعتضادهای در چندین شهرهای مختلف آلمان آغاز گردید. از جمله مهمترین این اعتضادهای اعتضاد ۱۶۰۰۰ نفره کارگران کشتی سازی بود. در همین سال ۱۰۰۰ کارگر دیگر، اعتضاد کارگران کشتی سازی بود. در ۱۹۱۰ اعتضاد مهم شرکت کارگران در برلین نیز دست داشت. اعتضاد زدن اعتضادهای مشابه دیگری در بن، برمن و مجدداً در برلین برپاشد. مطالبات عمده کارگران در این اعتضادهای افزایش دستمزد، کاهش ساعت‌کار و بهبود شرایط کار بود. علاوه بر این اعتضادهای، یکرشته تظاهرات در شهرهای مختلف آلمان بر سرمهیله رفرم سیستم انتخاباتی صورت گرفت که صدھا هزار کارگر در آن شرکت نمودند و بزرگترین آن تظاهرات ۲۵۰۰۰ تن در ۱۹۱۰ آوریل بود. در سالهای ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲ نیز اعتضادهای و تظاهرات ادامه یافت. در این سالها که با بروز بحران مراکش و جنگ بالکان، خطر یک جنگ جهانی هر لحظه نزدیک میشد، تظاهرات کارگران عمده‌ای علیه جنگ بود و برلین مرکز اصلی تظاهرات کارگران آلمانی علیه جنگ محسوب میشد. یکی از مهمترین اعتضادهای کارگران آلمانی در ۱۹۱۲، اعتضاد مجدد کارگران معادن روهر برای افزایش دستمزد و کاهش ساعت‌کار بود. حدود ۲۵۰۰ کارگر در این اعتضاد شرکت کردند. تا آغاز جنگ جهانی اول اعتضادهای متعددی گردید در آلمان صورت گرفت. مجموعاً در فاصله ۱۹۱۰-۱۹۱۳ اعتضادهای در این ۲۰۰۰ درصد رشد داشت. در بریتانیا نیز برغم بوروکراسی اتحادیه‌ای قدرتمندانه که مانع جدی برسرهای مبارزات کارگران بود و اغلب با اعتضادهای کارگری مخالفت میکرد، در این دوره اعتضادهای گستردگی ای توسط توده کارگر برپاگردید. اعتضادهای کارگران راه آهن نیوکاسل، کشتی سازی تاین، فلزبیرمنگاهیم و اعتضاد معدنکاران ویلز جنوبی که ۱۰ماه به طول انجامید، در زمرة مهمترین اعتضادهای سال ۱۹۱۱ بودند. سال ۱۹۱۱ ادامه اعتضادهای وسیع تر شد. ملوانان، بارندزاران و کارگران حمل و نقل، دوباره در این سال دست به اعتضاد زدند و سیستم حمل و نقل و بنادر را مختل ساختند. اعتضاد سراسری کارگران راه آهن مهمترین اعتضاد در این سال بود. در پی مداخله نیروهای مسلح برای سرکوب اعتضاد کارگران راه آهن لیورپول، در گیری گستردگی ای میان کارگران و نیروهای مسلح پیش آمد. این مبارزه به سنگینی خیابانی انجامید. در جریان این درگیری دهها کارگرکشته و زخمی شدند. این اقدام سرکوبگرانه وحشیانه نیروهای مسلح دولتی، خشم کارگران را در مناطق دیگر برانگیخت. اعتضاد به شهرهای اتحادیه کارگران راه آهن فراخوان اعتضاد عمومی داد و ۲۲۰۰۰ کارگر به اعتضاد سراسری بود. ۹۰۰۰ کارگر در این اعتضادهای سراسری شرکت کردند. مهمترین رویداد جنبش کارگری بریتانیا در این مقطع، اعتضاد کارگران معادن ذغال سنگ در ۱۹۱۲ بود. کارگران خواهان برپائی اعتضاد به منظور حداقل دستمزد پذیرفتن شده بودند. رهبران اتحادیه، با توصل به حربه اعتضاد مخالف بودند، معهدها در جریان رای گیری اکثریت بسیار عظیمی از کارگران، یعنی متجمعاً ۴۰هزار تن به برپائی اعتضاد عمومی رای دادند. لذا اعتضاد آغاز شد و یک میلیون کارگر معدن به اعتضاد پیوستند. گستردگی این اعتضاد منجر به توقف فعالیتهای تولیدی در برخی رشته‌های از جمله کارخانه‌های فولاد و آهن گردید. این جنبش عظیم میتوانست، به پیروزی قطعی کارگران بیانجامد. امارهای سازمانکار اتحادیه مانع ادامه این شدند و این اعتضاد با کسب امتیازات ناجیز پایان یافت. ایالات متحده آمریکا نیز در این دوره عرصه یک مبارزه طبقاتی حاد بود. در سالهای ۱۹۰۹ و ۱۹۱۰ چندین اعتضاد مهم در ایالات متحده بوقوع پیوست. مبارزه کارگران فلزدز ۱۹۰۹ که با برپائی یک اعتضاد خواهان تحقق مطالبات رفاهی خود بودند، به یک رودروری جدی میان کارگران و سرمایه داران تبدیل شد. درنتیجه دخالت نیروهای مسلح برای درهم شکستن اعتضاد ۱۳ تن از کارگران کشته و ۵۰۰ تن زخمی شدند، معهدها کارگران به اعتضاد تا پیروزی ادامه دادند. (۱۰۲) یکی دیگر از اعتضادهای مهم سال ۱۹۰۹ مقاومت ۱۴ ماهه کارگران فولاد در برابر زورگوئی سرمایه داران در زمینه کاهش دستمزدها و انجام

یهروی گردانی کارگران از این اتحادیه‌ها پیوستن آنها به اتحادیه‌های آنارکوستدیکالیست انجامید. آنارکوستدیکالیسم که تا اوائل قرن بیستم بیشتر در کشورهایی نفوذ داشت که عقب مانده تربودند، اکنون دیگر به یک پدیده جهانی تبدیل شده بود. کارگرانی که باتحادیه‌های آنارکوستدیکالیست می‌پیوستند، منافع طبقاتی خود را در این اتحادیه‌ها میدیدند. در حققت هم برغم انحرافاتی که جنبش آنارکوستدیکالیستی داشت، در مقایسه با اتحادیه‌های کارگری که رهبری آنها در دست بوروکراتهای اتحادیه‌ها بود، بهتر از منافع کارگران دفاع می‌کردند. ویلیام فاستر که از فعالین جنبش اتحادیه‌ای در این سالها بود، توضیح میدهد که "آنارکوستدیکالیسم توانست در عرصه بین المللی گسترش پیدا کند، چراکه بنظر میرسید پاسخ‌های قانع کننده‌ای به بسیاری از مسائل طبقه کارگری بیژن مسأله‌ای که امپریالیسم پیش آورده بود، ارائه میدهد. و حال آنکه سوسیال دمکراسی درحالی که به نحوروز افزونی به ورطه اپورتونیسم در می‌گلاید، قادر به پاسخ آنها نبود. از این رو سیاست ستیزی سندیکالیستها، از نظر تعداد بیانی از کارگران، پاسخی درست به گروههای سیاستمداران اپورتونیست که احزاب کارگری را از حیات تهی می‌ساختند، به نظر میرسید. اتحادیه گرایی صنعتی آنارکوستدیکالیسم، تنها نوع اتحادیه گرایی بود که می‌توانست با تراستها مبارزه کند و اشکارا برتر از اتحادیه‌های صنعتی اتم مانندی بود که هنوز سوسیال دمکرات‌های سیاری از کشورها آن را تحمل می‌کردند. با توجه به موقوفیت چشم گیر اعتصابات سیاسی توده‌ای در انقلاب‌پرسیه ۱۹۰۵، اعتضاب عمومی سندیکالیسم، وسیله‌ای موثر و موجه برای مقابله با خطر چنگ قریب الوقوع و در موقع مناسب، الغاره سرمایه داری به طور کلی، به نظر میرسید. بنابراین در شرایطی که اوضاع یک سیاست و سازمان رزم‌منه کارگران را در برابر جبهه سیست بناشده که سوسیال دمکرات‌های اپورتونیسم و سازشکار اساخته بودند، می‌طلبید، سندیکالیسم خود را به عنوان راه حل این مسائل معرفی نمود و آغاز به رشد و شکوفائی نمود. آنارکوستدیکالیسم توانست این کار را بکند، چرا که کمونیسم تحت رهبری لنهن کبیر در آن زمان تازه به عنوان یک نیتروی بین المللی در جنبش کارگری اغاز به پیدایش کرده بود. (۱۶) در فرانسه، کنفرادی‌سیون عمومی کار (ث.ث.) به عنوان یک تشکیلات آنارکوستدیکالیست، بیشترین تعداد کارگران را در صرفه خود متشکل ساخته بود و در استانه چنگ متاجوز از نهم میلیون عضو داشت.

در ایالتیا جنبش آنارکوستدیکالیست تا آن حد رشد کرده و قدرت گرفته بود که در ۱۹۰۸ در پارما یک اعتضاب عمومی برپا کردو بعد اعتصابات متعددی را رهبری نمود. در ایالتیا، پرتغال و هلند نیز اتحادیه‌های آنارکوستدیکالیست در ایالتیا و آمریکا نیز رشد کردند. اما جنبش آنارکوستدیکالیستی در انگلیس و آمریکا نیز ریشه دواند. در ایالت متحده تشکیلات اتحادیه‌ای موسوم به کارگران صنعتی جهان، حامل خط مشی آنارکوستدیکالیستی بود که در برابر فدراسیون امریکائی کار تحت رهبری گومپیر، جناح چپ جنبش کارگری را تشکیل میدارد. تشکیلات کارگران صنعتی جهان در سالهای قبل از چنگ چندین اعتضاب بزرگ را در آمریکا سازمان داد و آنها رهبری نمود. اما علاوه بر اتحادیه‌های واپسیت به احزاب سوسیالیست و آنارکوستدیکالیسم، تعداد محدودی از کارگران در اتحادیه‌های مسیحی متکل شده بود که از سازش کارگر و سرمایه دار دفاع می‌کردند. تعداد اعضاء آنها تا استانه چنگ کمی بیش از نهم میلیون بود.

سازمانهای اتحادیه‌ای بین المللی طبقه کارگر هم در این دوره پیشرفت های قابل ملاحظه ای داشتند، تعداد دبیرخانه‌های بین المللی حرفة ای که قبلاً به آنها اشاره کردیم، رشد نمود و تا آغاز چنگ جهانی به ۴۲ دبیرخانه رسید. بزرگترین این دبیرخانه‌ها، متعلق به کارگران معادن، حمل و نقل، فلز و ساختمان بود. دبیرخانه بین المللی اتحادیه‌های ۱۹۱۹ میلیون ملی کار را با حدود ۷ میلیون عضو درپریمیکرft. (۱۷) در اینجا نیز جناح راست جنبش کارگری برهبری را در اختیار داشت. این جناح مانع از آن بود که این تشکیلات، به یک سازمان بین المللی اتحادیه‌ای تصمیم گیرنده تبدیل شود. برخی اتحادیه‌ها از این ایده دفاع می‌کردند که دبیرخانه‌ها تبدیل شود. جناح راست به تغییر دهد، و به یک انترنسیونال اتحادیه‌ای تبدیل شود. جناح راست به شدت با این امر مخالف بود، وادعا می‌کرد که تصمیم گیری در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی مهم بر عهده انترنسیونال سوسیالیست و احزاب سوسیال دمکرات است. سرانجام پس از بحث‌های مداوم، در کنفرانس زوریج دبیرخانه بین المللی مرکزی اتحادیه‌ای، نام آن به فدراسیون بین المللی اتحادیه‌ها تغییر یافت، بدون آین که در ماهیت و مضمون و ظایف‌ش اتفاق نمی‌کرد. فدراسیون بین المللی اتحادیه‌ها در جریان چنگ و دفاع اغلب احزاب سوسیالیست و رهبران اتحادیه‌ها در از دولت خودی، عملاً به سه بخش با سه مرکز در برلین، فرانسه و آلمان تقسیم گردید.

ادامه دارد

منابع:
۱۰۲_۱۰۴، ۱۰۶_تاریخ مختصر جنبش جهانی اتحادیه‌ای، ویلیام فاستر
۱۰۳_فاکتها و آمارهایی که در این بخش آمده‌اند، از جلد سوم جنبش بین المللی طبقه کارگر، جلد سوم
۱۰۵_جنوب بین المللی طبقه کارگر، جلد سوم

هریک با توجیهات خاص خود، به دفاع و حمایت از بورژوازی کشور خود برخاستند. در اس این خیانتکاران به طبقه کارگر، حزب سوسیال دمکرات آلمان و رهبران اتحادیه‌های کارگری این کشور را داشتند. آنها به اعتبارات جنگی رای دادند و امامکنی خود را برای دفاع از میهن اعلام نمودند. پس از آلمان، احزاب سوسیالیست و رهبران اتحادیه‌ای کارگری تعداد بیکری از کشورهایانظیر بریتانیا، فرانسه، اطروش، ایالات متحده و چند کشور دیگر همین سیاست را پیش برند. این موج دفاع طلبی و میهن پرستی بورژوازی چنان شدید بود که ث.ث.ت. فرانسه نیز به موضوع دفاع از میهن در غلطید. تنها تعداد بسیار محدودی از تشکلهای سیاسی و صنفی طبقه کارگر در برخی کشورهای اروپا و بلغارستان، بر موضع اتفاقی، مارکسیستی و انترنسیونالیستی خود پایر جاماندند. روشن است که وقتی تعداد اعضای اتحادیه‌های تحت رهبری احزاب سوسیالیست سرمه ۱۰ میلیون میزد و جنبش تعاوی تحفظ رهبری آنها نیز حدوداً به ۴ میلیون میرسید، موضع شونیستی دفاع از میهن چه تاثیر مخربی بر جنبش طبقه کارگر و مبارزه‌ان بر جای بگذارد. املاعلاوه برایان سیاست که به تقویت تبلیغات شونیستی بورژوازی در میان کارگران مدد میرساند، آگاهی آنها را زائل می‌ساخت، روحیه مبارزاتی را در میان کارگران دامن میزد، عوامل دیگری نیز در این افت مبارزات کارگران در آغاز چنگ موثر بودند، بخشی قابل ملاحظه ای از کارگران به جبهه‌های جنگ گسیل شدند و جای آنها زنان و جوانان میگرفتند که تجربه‌ها و آگاهی طبقاتی برخوردار نبودند. محدودیت‌هایی که در مردم‌بیریائی اعتصابات، تظاهرات، اعتصابات، تظاهرات، فعالیت‌های اتحادیه‌ای نیز ایجاد شده بود، تاثیرات منفی خود را بر جای می‌گذاشت. تبلیغات گستردۀ شونیستی بورژوازی هم که در نخستین ماههای جنگ تأثیر زیادی داشت. بنابراین در آغاز جنگ مبارزات کارگران شدیداً افت کرد. اما این رکود مدت زیادی دوام نیاورد. از ۱۹۱۵ موج شونیسم فرونشست. فشارهای مختلفی که جنگ به کارگران تحمیل می‌کرد، تنزل شدید سطح معیشت کارگران، فقر و گرسنگی، طولانی شدن ساعت‌کار، تورم و افزایش قیمت‌ها، فشارهای سیاسی و گسیل اجباری کارگران به جبهه‌های جنگ مبارزات کارگران شدیداً افت نیزیادی داشت. بنابراین در آغاز جنگ مبارزات کارگران شدیداً افت کرد. اما این رکود مدت زیادی دوام نیاورد. از ۱۹۱۵ موج شونیسم فرونشست. فشارهای مختلفی که جنگ به کارگران تحمیل می‌کرد، تنزل شدید سطح معیشت کارگران، فقر و گرسنگی، طولانی شدن اعتصابات کار، تورم و افزایش قیمت‌ها، فشارهای سیاسی و گسیل اجباری کارگران به جبهه‌های جنگ، دهانه‌امضیت دیگری که جنگ به بار آورده بود، احساسات ضد جنگ را مجدد در میان کارگران تقویت نموده آنها به حرکت درآورد. گرایش پیش‌جنش کارگری قدرت پیشتری پیدا کردو آغاز به سازماندهی اعتصابات و تظاهرات ضد جنگ نمود. در فرانسه تعدادی از اتحادیه‌های ای علیه دولت و جنگ اتخاذ نمودند. در ۱۹۱۶ چندین اعتضاب در کارخانه‌های مختلف سازماندهی شدند. در آلمان گروه انترنسیونالیست‌های سوسیال دمکرات موسوم به اسپارتاكیست تحت رهبری روزالکزا بیورگ و لیپکنست، سازماندهی اعتضابات و تظاهرات را آغاز نمودند. تظاهرات زنان در برایشتناگ و در درسدن، تظاهرات ده هزار نفری ۳۰ نوامبر در برایشتناگ در ۱۹۱۵، گردهم آئی ده هزار نفری برلین با شعار مرگ بر جنگ و مرگ ببرگوم در ۱۹۱۶، نخستین اقدامات جناح چپ کارگری آلمان پس از آغاز جنگ بود. در ۱۹۱۶ دهها اعتضاب کارگری که در آلمان به وقوع پیوست. در ایالتیا که از نام آغاز جنگ، دهه‌هزار کارگر یا شعار جنگ نه، ما کار و نان میخواهیم، تظاهرات و اعتصابات خود را آغاز نموده بودند، این مبارزات در سالهای بعد گسترش پیشتری یافت و در ۱۹۱۵ صدها اعتضاب برپا گردید. در روسیه نیز اعتصابات گارگران در ۱۹۱۶ به سطح بالائی رسید و در ۱۹۱۶ مورداً اعتضاب در روسیه صورت گرفت که ... ۱۰۸۶ کارگر در آن شرکت کردند ۲۴۲ موردان اعتصاب سیاسی بود. (۱۲)

در جریان این اعتصابات اروپائی، کارگران، کمیته‌های کارخانه‌ها تشکیل دادند که یک تشکیل انتقالی در نقطه تولید بود. این کمیته‌ها در ایالتیا و انگلستان و بعداً روزیه پدید آمدند. این اعتلا مجدد جنبش کارگری حاکی از این واقعیت بود که کارگران از جنگ و طبقه حاکم در کشورهای سرمایه داری نفرت دارند و شرایط عینی برای سرنگونی بورژوازی فراهم است.

تحولات جنبش اتحادیه‌ای

به موازات رشد و اعتصابات اروپائی، کارگران در کشورهای سرمایه داری در دوره قبیل از جنگ جهانی اول، اتحادیه‌های کارگران نیز وسیع رشد کردند، این رشد اتحادیه‌ها چنان سریع بود که به عنوان نموده اعضا اتحادیه کارگران معدن در بریتانیا در طول یکسال، از ۱۶۰۰۰ به ۹۰۰۰۰ افزایش یافت و تعداد اعضا توک در فاصله ۱۵-۱۹۱۰ به ۲۶۸۲۳۵۷۱ رسید. (۱۳)

در طول ۷ سال قبیل از جنگ بر تعداد اعضا اتحادیه‌ها ۵ تا ۷ میلیون افزوده شدند. در ۱۹۱۴ به ۱۱۴ میلیون رسید. (۱۴) این رشد کمی اتحادیه‌ها، تنها محصول رشد و اعتصابات کارگران و ارتقا سطح آگاهی آنها نبود بلکه نتیجه تغییراتی بود که در ترکیب و ساختار اتحادیه‌ها پدید آمد. کارگران نیمه ماهر و حتی غیرماهر، کارگران بخش‌های خدمات و کشاورزی و سیاست به اتحادیه‌ها پیوستند. تدریجاً ساختار اتحادیه هانیز تغییر کرده بود که از اتحادیه‌های صنعتی کلاً تغییر کرد. شکل گرفته بودنکه از ساختار اتحادیه‌های صنعتی کلاً تغییر کرده بودند. بخش اعظم اتحادیه‌هایی که تا این زمان شکل گرفته بودند، تحت نفوذ احزاب سوسیالیست قرار داشتند و در اختیار اکثر آنها در اختیار بورکاری اتحادیه‌ای بود. سیاست‌های راست روانه و سازشکار آنها اتحادیه‌های تحت نفوذ احزاب سوسیال دمکرات، به نحوروز افزونی

یافته است. واقعیت قضیه آنست که جمهوری اسلامی فشارهای سنگین و کمرشکنی را برگردان کارگران تحمل نموده است. سرمایه داران و کارفرمایان برای عقب راندن کارگران و تشدید فشار برآنها، به حداتر ممکن از شرایط بحرانی موجود به نفع خود بهره برداری نموده و استثمار کارگران را تشید نموده اند. با اینهمه کارگران در برابر این تعرضات و زورگوئی سرمایه داران ساكت ننشسته و علیرغم دشوارهای موجود دست به مبارزه و مقاومت زده اند. اخبار مبارزات کارگری و لو در همان محدوده ای که خبر گزاریهای ورزونامه های رژیم آنرا انکاس میدهند، به روشنی از این مسئله حکایت دارد که جمهوری اسلامی برغم تمامی فشارهایی که برکارگران تحمل نموده و برغم تمامی موانع و محدودیت هائی که بر سر راه مبارزه آنها ایجاد نموده، نه فقط نتوانسته است سدی در برابر جنگ مبارزاتی کارگران ایجاد نماید، بلکه اعتراضات مکرر و گسترش یابنده کارگران در شکل اعتصابات، تجمعات اعتراضی، راه پیمایی، تظاهرات و سایر اشکال مبارزه کارگری از رشد کمی قابل ملاحظه ای نیز برخوردار شده است.

مطابق همین اخبار محدود که یقیناً همه اعتراضات کارگری را در برنمی گیرد، در همین فاصله دو سه ماهه اخیر، هزاران کارگر اخراجی دست به اعتراض زده و از جمله با تجمع در برابر کارخانه ها و موسسات دولتی، خواهان بازگشت به کار شده اند که برای نمونه میتوان از تجمع اعتراضی کارگران شرکت لوازم خانگی ساوه در برابر این کارخانه، تجمع اعتراضی کارگران ساختمان سازی دولت آباد در شهرستان ری، تجمع اعتراضی کارگران آجر ماشینی ارومیه و بالاخره تظاهرات و تجمع اعتراضی ۲۴۰ کارگر نساجی مازندران در قائم شهر در برابر کارخانه یاد نمود.

فراوانی اعتراضات کارگری به منظور پرداخت حقوق و مزایای معوقه و یا پرداخت به موقع دستمزدها، از این هم بیشتر است. که از آن جمله می توان به اعتراضات و تجمعات مکرر کارگران نخکار هم در برابر کارخانه و هم در برابر ادارات دولتی، تجمع اعتراضی کارگران اجاق سازی جواهیریان، تجمع اعتراضی کارگران شرکت کیان چرخ خرم در در خانه کارگریان شهرستان، تجمع اعتراضی کارگران شرکت ضایعات فلزی (واقع در شهریار) در مقابل دفتر مرکزی این شرکت در تهران، تجمع اعتراضی کارگران شرکت فراورده های ساخته ای در برابر بانک صنعت و معدن، تجمع اعتراضی کارگران یک شرکت خدماتی در تبریز در محل بیمارستان رازی، اعتراض کارگران نساجی پارس ایران در رشت و امثال آن اشاره نمود.

گسترش مبارزات کارگران گرچه تا اندازه بسیار محدودی توانته است برسر راه پیش روی سرمایه داران مانع ایجاد کند و بويژه یک رشته مطالبات جاری کارگران را لازم جمله توقف اخراجها، بازگشت بکار، حق بیمه بیکاری، پرداخت حقوقهای معوقه، پرداخت به موقع حقوقها، افزایش دستمزد مناسب با نرخ تورم، اجرای قراردادهای دسته جمعی و امثال آن را در سطح وسیعی بیان بکشد اما هنوز توانته است سرمایه داران را بويژه در مقیاس تمام کشور به عقب نشینی و ادار کند. چرا که اولاً) این مبارزات اعتراضی برغم آنکه بدرجات معنی از یک نوع سازماندهی برخوردار و مستقل

چگونه میتوان از تعرض سرمایه داران به تعارض کارگران گذار نمود؟

حقوق کارگران نموده اند، با این همه ما امروز شاهد اجحاف بیکری در حق کارگران و شاهد این پدیده هم هستیم که سرمایه داران از پرداخت به موقع دستمزد کارگران هم طفره می روند به نحوی که بسیاری از کارگران حتی برای دریافت دستمزدهای خویش و لو با چند ماه تأخیر هم بایستی دست به اعتراض و مبارزه بزنند. عدم پرداخت به موقع دستمزدها به روش عمومی سرمایه داران که در ضمن از حمایت و پشتیبانی دولت هم برای تبدیل می شود. اخبار مربوط به جنبش و مبارزات کارگری که بخشادر نشریه کارهم به چاپ میرساند، حاکی از همین مسئله و حاکی از ادامه تعارض آشکار سرمایه داران علیه کارگران است. این اخبار شانگر آن است که سرمایه داران و کارفرمایان زیر چتر حمایتی دولت، در سطح بسیار وسیع و گسترهای از پرداخت به موقع دستمزدها خودداری میکنند و از این مسئله نیز به مثابه حربهای علیه کارگران و برای تشدید فشار برآنان استفاده مینمایند. برخی از این سرمایه داران سه ماه، برخی دیگر ۹ ماه، برخی تا ۱۲ و گاه ۱۴ ماه حقوق کارگران را نپرداخته اند، گاه در پاسخ به اعتراض کارگران از پرداخت به موقع حقوق و مزایای خود، آنان را تهدید به اخراج هم کرده اند!

هم اکنون طبقه کارگر ایران از همه سو تحت فشار قرار دارد و یکی از دشوار ترین دوران های حیات خویش را می گذراند. بیکارسازی های وسیع زیر سایه دولت آقای خاتمی صدها هزار گارگر را به صفت میلیونی بیکاران اضافه کرده است. این جمعیت انبوی و میلیونی از ابتدائی ترین تامینات اجتماعی و از حق بیمه بیکاری محروم اند. کارگران مشغول به کارنیز مطلقًا فاقد امنیت شغلی اند و شیخ بیکاری و اخراج برقرار سر آنها داشتا در گشت و گذار است.

حقوق و مزایای کارگران را نیز هر روز به بهانه ای میزند و به موقع نمی پردازند. تعرض همه جانبه سرمایه داران و دولت حامی آنها، قبل از هرچیز سطح زندگی و معیشت کارگران و خانواده های کارگری را به میزان وحشتگری تنزل داده است. افزایش حداقل دستمزدهای اسمی، امسال نیز همچون سال های گذشته بسیار اندک بود و هیچگونه تتابیسی با نرخ رشد تورم نداشت. دستمزد روزانه از ۱۰۰۵۱ به ۱۲۰۶۱ ریال رسید (ماهانه ۳۷۸۳۰ تومان) یعنی حدود ۲۰ درصد افزایش یافت، در حالیکه نرخ تورم بسیار بیشتر از این رقم بوده است. معنای عملی این افزایش دستمزد این است که دستمزدهای از کارگران در هم کاهش یافته است. بنا به اعتراف روزنامه های رژیم، به دنبال افزایش بهلا کالاها و خدمات دولتی، از جمله افزایش ۷۵ درصدی قیمت بنزین، قیمت سایر کالاها و مایحتاج عمومی نیز بطور سراسر آوری افزایش یافته است. برای نمونه، کرایه ها از ۳۰ تا ۵۰ درصد، کوشت و قند و شکر از ۲۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. روزنامه کار و کارگر مورخ ۲۳ فروردین د رهman حال که به افزایش سرسام آور قیمت ها در ظرف یکی دو ماهه سال جدید اعتراف می کند، می نویسد نرخ گوشت قرمز، مرغ، روغن، قند، شکر، کرایه، میوه و سبزیجات، از ۲۰ تا ۵۰ درصد و اجاره خانه بیش از ۴۰ درصد افزایش

کارفرما و نه دولت آنها درقبال کارگران اخراجی و بیکاران احساس مسئولیت نمیکند و پاسخگوی مشکلات آنها نیست. بدیهی است که کارگران اخراجی نسبت به این اقدامات معتبر، و اکثر "خواهان بازگشت به کار بوده اند و سوابی اقدامات جمعی و اعتراضی خود از قبیل تظاهرات و بربائی تجمعات دربرابر کارخانه ها و موسسات دولتی، این خواست خود را در اعلام شکایت به هیئت های به اصطلاح تشخیص و حل اختلاف اداره کارنیز انعکاس داده اند. با این همه گرهی از معضل اینویه بی شمار اخراج شدگان و بیکاران گشوده نشده است. نه کاری به آنان واگذار شده است و نه حق و حقوقی برای اداره زندگی کارگران و اعضای خانواده آنها درنظر گرفته شده است. اینویه کارگران اخراجی و بیکار شده که سالیان سال از بهترین دوران زندگی خود را برای سرمایه داران و دولت اینها مایه گذاشته و عمر و جوانی خود را در راه فربد شدن آنان هزینه کرده اند، به قریانگاه نظام ضدانسانی سرمایه داری فرستاده شده اند. این کارگران در همان حال که از حداقل تامینات اجتماعی واستداندارهای بین المللی درمورد حق استفاده ازبیمه بیکاری در چارچوب همین نظام هم محروم بوده اند، با خشونت و بیرحمی در دریم جمهوری اسلامی سرکوب و به قدر نگون بختی و تباہی سوق داده شده اند.

از همین چماق اخراج و بیکار سازی است که کار فرمایان برای تشدید استثمار کارگران شاغل نیز سود جسته اند. هم اکنون بسیاری از واحدهای تولیدی ترقی و لقاند و بصورت نیمه تعطیل درآمده اند. کارفرمایان و سرمایه داران به بهانه های مختلف برسر راه روند تولید درین واحدها، به منظور برهه برداری هرچه بیشتر از شرایط بحرانی موجود به نفع خود، مانع تراشی می کنند و کارگران را در حالت بلا تکلیفی نگاه داشته اند. آنان می خواهند به نحوی از اخراج برق کار و مزایای کارگران خط بطلان بکشند و در بسیاری از واحدهای تولیدی همین کار را هم کرده اند. کارفرمایان ابتدا کارخانه را بصورت نیمه تعطیل در می آورد، بعد، از تعطیلی کامل آن صحبت میکند و هم زمان یا کارگران را به هر تعداد که بتواند اخراج می کند و یا آنان را مجبور می کند که اگرخواهان ادامه کار هستند مقدمتا خودشان را بازخرید کنند. سپس با امضای قراردادهای موقت دوباره آنان را به استخدام خود درمی آورد و بدین طریق نه فقط کارگران را از حقوق و مزایای قبلی شان محروم می سازد، بلکه این بار دستش در اخراج کارگران بسیار بازتر از گذشته است و هر آینه می تواند حکم به اخراج آنها بدهد.

در پرتو همین سیاست های عیقاً ضد کارگری کارفرمایان و حمایت دولت از آنهاست که هر روزه ناظر اخراج و بلا تکلیفی شمار زیادی از کارگران در گوشش و کنارکشون و شاهد اجحافات بی حد و اندازه هم کاهش یافته است. بنا به اعتراف روزنامه های رژیم، به دنبال افزایش بهلا کالاها و خدمات دولتی، از جمله افزایش ۷۵ درصدی قیمت بنزین، قیمت سایر کالاها و مایحتاج عمومی نیز بطور سراسر آوری افزایش یافته است. برای نمونه، کرایه ها از ۳۰ تا ۵۰ درصد، کوشت و قند و شکر از ۲۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. روزنامه کار و کارگر مورخ ۲۳ فروردین د رهman حال که به افزایش سرسام آور قیمت ها در ظرف یکی دو ماهه سال جدید اعتراف می کند، می نویسد نرخ گوشت قرمز، مرغ، روغن، قند، شکر، کرایه، میوه و سبزیجات، از ۲۰ تا ۵۰ درصد و اجاره خانه بیش از ۴۰ درصد افزایش

چرا پرونده قتل ها مسکوت مانده است؟

اسلامی پس از گذشت ۵ ماه از این قتل ها معضل رسیدگی به پرونده را ناروشنی انگیزه این افراد ذکر کرد. رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح با این اظهارات البته خود را فریب می دهد و نه مردم ایران را . چرا که مردم ایران حتی پیش از آن که رژیم ناگزیر به اعتراف شود که دستگاه امنیتی اش این قتل ها را سازماندهی کرده است، از عاملین، اهداف و انگیزه های آنها آگاه بوده اند . دستگاه امنیتی چمهوری اسلامی، حرفه اش کشtar و سرکوب مردم ایران بوده و هست. مامورین این دستگاه تا به امروز دهها هزار تن از مردم ایران را کشtar کرده اند، زیر شکنجه به قتل رسانده اند، تیر باران کرده اند . به دار آویخته اند، یا در خیابانها و منازلشان ترور کرده اند. جرم همه آنها نیز مخالفت با چمهوری اسلامی بوده است. انگیزه مامورین وزارت اطلاعات در جریان قتل های اخیر نیز چیزی دیگری جز سرکوب هرگونه اعتراض و مخالفت علیه حکومت اسلامی نبوده است. این وحشی گری یک روی داد استثنای و اتفاقی در دستگاه امنیتی چمهوری اسلامی نیست که تعجب کسی را برانگیزد و به دنبال انگیزه عاملین آن بگردد، این قاعده و شیوه عمل همیشگی وزارت اطلاعات بوده است.

رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح حکومت اسلامی، در پایان سخنرانی خود باز هم همان ارجیف سران حکومت اسلامی و از جمله خامته ای و رفسنجانی را در چندماه پیش مجددا تکرار کرد و ادعای کرد "قرائن به دست آمده نشان میدهد که این کار با هدایت بیگانگان انجام شده است". تکرار این ارجیف پس از گذشت چندماه از اعتراف سران رژیم به سازماندهی و اجرای قتل ها توسط وزارت اطلاعات، بیان چیز دیگری جز این نیست که رژیم میخواهد بهر شکل ممکن سازمان ضد انسانی امنیتی خود و ماموران جنایتکارش را تبرئه کند. اما مردم حکم محکومیت خود را نه تنها مرد این دستگاه کشtar حکومت اسلامی بلکه سران حکومت که تصمیم گیرنده اصلی این دستگاه هستند صادر کرده و در موقع مناسب نیز این حکم را به مرحله اجرا خواهند گذاشت.

۵ ماه از کشtar و حشیانه تعدای از مخالفین سیاسی رژیم و نویسندها آزادی خواه توسط مامورین دستگاه امنیتی رژیم چمهوری اسلامی گذشت. برغم این که رژیم زیر فشار مبارزه و اعتراض مردم ایران ناگزیر شد بپنیرد که این آدم کشی های و حشیانه توسط نیروهای وزارت اطلاعات انجام گرفته است ، اما تا به امروز هیچ گونه اطلاعات دقیقی در مورد اختیار مردم گذاشته نشده است. کمیسیونی که قرار بود مسئله را بیگری کند و در اسرع وقت نتیجه تحقیقات را به اطلاع مردم برساند، در چند ماه گذشته هیچ اطلاعیه جدیدی صادر نکرده و سکوت کامل اختیار کرده است. سران دستگاه قضائی رژیم، هر چند وقت یکبار برای آرام کردن مردم، وعده میدهند که در آینده نزدیک، مسبیین قتلها محاکمه خواهند شد. اما از قرار معلوم، هدف رژیم فریب مردم است، و میخواهد با گذشت زمان سروته قضیه را بی سرو و صدا بهم آورد. محمد نیازی، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح حکومت اسلامی در سخنرانی اخیر خود در سمنان دیگر وعده چند روز و چند ماه را برای رسیدگی به این پرونده نداد و گفت: " زمان اتمام رسیدگی به این پرونده مشکل است . ولی انشالله تا پایان سال به نتیجه خواهد رسید . " این اظهارات نشان میدهد که سران حکومت اسلامی نه تنها حاضر نیستند اطلاعاتی در مرور قتل های اخیر در اختیار مردم بگذارند، بلکه میکوشند با به تعویق انداختن محاکمه قاتلین، اصلا خود پرونده رامشمول مرور زمان کنند. نیازی ادعا کرد که " هیچ تغییری در رسیدگی به پرونده قتل های مشکوک حاصل نشده و این پرونده با قدرت و قاطعیت و همان کادر در حال پیگیری است ". وی در همین حال ادعا کرد که " در مسیر رسیدگی به این قتلها تا کون کلیه عوامل و مباشرين و اکثر طراحان آن شناسائی شده اند ". اگر بطریق این ادعا " کلیه عوامل و مباشرين و اکثر طراحان آن شناسائی شده اند "، پس چرا آنها را به مردم معرفی نمی کنند؟ پس چرا هنوز از دستگیری ۵ تن صحبت می شود؟ و چرا اعلام می شود که " زمان اتمام رسیدگی به این پرونده مشکل است ". رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح حکومت

تا زمانی که سود و سرمایه حاکمیت دارند، کارگران پیوسته با حوادث و سوانح ناشی از کار روبرو خواهند بود، اما کارگران هنگامی که تشکلهای صنفی و سیاسی قدرتمندی داشته باشند، میتوانند سرمایه دار و دولت آنها را وادار به رعایت اینمی محیط کار در محدوده استاندارهای بین المللی کنند و از طریق تشکلهای خود بر اینمی محیط کار کنترل و نظارت اعمال کنند. کارگران با مبارزه و ایجاد تشکلهای خود بر اینمی محیط کار گشته اند. میتوانند از ابعاد فاجعه بار حوادث ناشی از کار بگاهند.

در ایران رژیمی حاکم است که با اختناق و سرکوب حکومت میکند. آزادی را از کارگران و زحمتکشان سلب نموده و حق تشکل را از آنها گرفته است. اگر کارگران متشکل بودند، اگر تشکلهای صنفی و سیاسی قدرتمندی داشتند، اگر از این آزادی برخوردار بودند که حرف خود را بزنند، نه سرمایه دار جرات داشت که این چنین بی پروا کارگران را کشtar کند، و نه دولت این چنین گستاخانه میتوانست برای جنایات صهی بگذاردویا آنها را نادیده انگارد . البته تا زمانی که نظام سرمایه داری پا بر جاست،

ابعاد فاجعه بار

حوادث ناشی از کار

آماری که اخیرا در مورد حوادث ناشی از کار در ایران انتشار یافت، تکان دهنده است. روز نامه های رژیم خبر دادند که سالانه ۱۰ هزار نفر بر اثر حوادث مختلف در کارگاههای کشور جان خود را از دست میدهند و هر سال بیش از ۱۵۰ هزار حادثه خطرناک برای کارگران اتفاق می افتد. این ارقام هر چند که تا همین حد نیز تکان دهنده اند، اما بیانگر تما واقعیت نیستند. در حقیقت هر سال چند صدهزار نفر از کارگران ایران به نحوی از انحصار با حوادث و سوانح ناشی از کار روبرو میشوند. ارقام اعلام شده در برگیرنده تنها بخشی از حوادث اتفاقی که در کارگاههای رسیدگی و شامل اغلب حوادث خطرناک کوچک یا بخشهایی از فعالیتهای خدماتی و ساختمانی به وقوع پیوسته نمیشوند. علاوه بر این رقم ۱۵۰ هزار در برگیرنده حوادث خطرناک است و دهها هزار حادثه ظاهرا غیر خطرناک را شامل نمیشود. از این رو آمار حوادث و سوانح ناشی از کار در ایران بسی فراتر از آن چیزی است که رسم اعلام میشود. معهدا همین آمار وارقام رسمی عمق فاجعه و ستم را که بر کارگران ایران اعمال میشود، نشان میدهند. وقتی که ابعاد گسترده حوادث ناشی از کار تا بدان حد است که اعلام میکنند در هرسال ۱۰ هزار کارگر برایر حادث مختلف جان خود را از دست می دهند، و هرسال بیش از ۱۵۰ هزار حادثه خطرناک برای کارگران در کارگاههای اتفاق می افتد، آشکارا نشان میدهند که کارگران ایران با اسف بارترین شرایط در محیط کار روبرو هستند و هیچ ضابطه و حساب و کتابی در زمینه اینمی محیط کار و حفاظات از سلامتی کارگر وجود ندارد. آنچه که حاکم است، حرص و آز سوداندوزی بی حساب و کتاب سرمایه داران است. آمار حوادث ناشی از کار در ایران از آن رو اینچنین بالاست که سرمایه دار زالو صفت برای افزایش سود خود از اختصاص هزینه برای اینمی سازی محیط کار، سرباز میزند. بالنتیجه با کاهش هزینه تولید، سود خود را افزایش میدهد، اما کارگران با حوادث متعدد ناشی از کار روبرو میشوند، صدمات شدید می بینند و حتی جان خود را از دست میدهند. حتی کارگرانی که صدمه میبینند و یا جان خود را از دست میدهند، هیچ هزینه ای برای سرمایه دار ندارند. سرمایه دار، کارگر سالم دیگری را به جای آنها استخدام میکند و به جنایات خود ادامه میدهد. در حالی که سرمایه دارهای همچنان به جنایات خود دادمه میدهد، هیچ کنترل و نظارت اندک جدی هم از سوی دولت اعمال نمیشود. این هم از آن روست که

خبری از ایران

اعتراض کارگران، مدیر عامل شرکت درکمال واقت به کارگران گفت "بروید هر کاری از دستتان برمی آید، انجام دهید". در اعتراض به این اقدام مدیر عامل، کارگران نیز در محل اداره کار استان، یک تجمع اعتراضی برپا کرده و خواستار پی گیری مسئولین برای رسیدگی به مشکلات خود شدند. کارگران این کارخانه عنوان کردند که کارخانه نساجی پارس ایران که در جاده لاکان شهرستان رشت واقع شده است، هیچ گونه مشکلی به لحاظ مواد اولیه، تولید و یا فروش ندارد. یکی از کارگران که مدت ۲۰ سال در این کارخانه سابقه کار دارد و تحت اجبار مدیر عامل خود را باز خرید کرده است وهم اکنون جزو کارگران اخراجی است، در مورد عدم امنیت شغلی کارگران میگوید "ما کارگران اخراجی چگونه باید جوابگوی خانواده هایمان باشیم. کارگر قراردادی که در بدترین شرایط کار میکند و فریاد بردنی اورد تا نکند توسط کارفرما اخراج شود، نباید امنیت شغلی داشته باشد؟ باید همیشه نگران اخراج و بیکاری باشد". کارگران در این حرکت اعتراضی خواستار بازگشت به کار و امنیت شغلی کارگران شدند.

۲۰۰۰ کارگر چیز سازی بلا تکلیف اند

در حالیکه بیش از ۳ ماه از تعطیلی کارخانه چیز سازی به شهر می گذرد، این کارخانه هنوز وضعیت روشنی تدارد و کارگران آن همچنان درحالات بلا تکلیفی بسر می برد. مدیر کارخانه یاد شده که به بهانه توهیه پول برای پرداخت حقوق کارگران در اواخر اسفند ماه به تهران سفر کرده بود، تا کنون به محل این کارخانه مراجعت نکرده و ۲۰۰۰ کارگر این کارخانه باضافه هزاران عضو خانواده کارگری را شدیداً در مضيقه مالی و بلا تکلیفی نگاهداشته اند.

تعطیلی کارخانه و بلا تکلیفی کارگران

کارخانه اکریلیات در آستانه ورشکستگی و تعطیلی است. مسئولین این شرکت که چندین ماه به بهانه مشکلات مالی، حقوق کارگران را نپرداخته بودند، بعد از دریافت یک وام بانکی به میزان ۵۰۰ میلیون ریال، ضمن پرداخت بخشی از حقوق کارگران، چنین اعلام کردند که این کارخانه تا ۲۰ اسفند سال جاری تعطیل خواهد بود.

بلا تکلیفی کارگران شرکت جواهريان

کارفرمای شرکت جواهريان واقع در شهرستان ری، از پرداخت حقوق و مزاياي کارگران طرفه بیرون. قابل ذکر است که مدیریت این واحد تولیدی، شرکت را بحال خود رها کرده است و کارگران این شرکت را در بلا تکلیفی نگاهداشته است.

اخراج ۱۲۰ کارگر

درست چند روز مانده به عید نوروز بود که ۱۲۰ نفر از کارگران شاغل در کارگاه برج تهران وابسته به

تجمع اعتراضی کارگران شرکت خسایعات فلزی

بیست و پنجم اسفند ماه، ۴۵ کارگر شاغل در شرکت خسایعات فلزی واقع در حوالی شهرستان شهریار، با تجمع در محل دفتر مرکزی این شرکت در تهران، نسبت به عدم پرداخت حقوق و مزاياي خود اعتراض پرداخت نکرده، بلکه از پرداخت عیدي و پاداش سالانه نیز شدند. شایان ذکر است که کارگران این شرکت تاکنون چندین بار است به اعتراض زده اند، اما کارفرما به جای رسیدگی به مشکلات کارگران و پرداخت بموقع حقوقها، اصرار دارد که کارگران این شرکت خود را باز خرید کنند.

تجمع اعتراضی کارگران در برابر بانک صنعت و معدن

جمع زیانی از کارگران شرکت فرآورده های ساختمانی، روز یکشنبه بیست و سوم اسفندماه، با برپائی یک تجمع اعتراضی در برابر بانک صنعت و معدن، خواستار پرداخت حقوقهای معوقه خود شدند. یکی از مسئولین شرکت یاد شده ادعا کرده است که به دلیل رکود در بخش ساختمانی، این شرکت با مشکل فروش محصولات مواجه شده و قادر به پرداخت حقوق کارگران نبوده است. نامبرده همچنین مطرح کرد که در پی اعتراض کارگران، نمایندگان کارگران و مدیران بانک، در مذاکراتی توافق کرده اند برای فروش محصولات این شرکت تلاش شود تا از این طریق امکان پرداخت حقوق کارگران نیز فراهم گردد.

احتمام اعتراضی کارگران الکترونیک خراسان

روز چهارشنبه ۱۹ اسفند ۷۷، کارگران شرکت صنعتی الکترونیک خراسان، در محل امور اداری این شرکت احتمام کردند و نسبت به تعویق درام پرداخت دخالت نیروهای انتظامی و قول مساعد مسئولین شرکت برای رسیدگی به خواست کارگران پایان یافت. قابل ذکر است که کارگران این شرکت در طول یک ساله گذشته، برای دریافت حقوق و مزاياي خود، چندین بار دست به تجمعات اعتراضی زده اند.

اعتصاب در کارخانه ارج

روز دوازدهم اسفند ماه، کارگران کارخانه ارج در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و پاداش سالانه، دست به اعتصاب زدند و به مدت چندین ساعت تولید را متوقف کردند.

تجمع اعتراضی کارگران در شهریار

اوخر اسفند ماه، جمع زیانی از کارگران ساختمان سازی دولت آباد در شهرستان ری، در اعتراض به اخراج دهها کارگر این شرکت، و همچنین به نشانه اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزاياي خود، در محل خانه کارگر این شهرستان تجمع کرده و خواستار پرداخت حقوق و مزاياي معوقه و نیز باز گشت به کارگران اخراجی شدند. به گفته کارگران

اخبار از ایران

تراز حساب جاری ایران در پایان آذر ماه گذشته با یک میلیارد و ۸۸۴ میلیون دلارکسری مواجه شد. تراز بازرگانی خارجی در ۹ ماه نخست سال ۷۷ با ۵۲۵ میلیون دلار کسری مواجه بود. در حالی که در مدت مشابه سال ۷۶، این تراز ۲ میلیاردو ۶۲۲ میلیون دلار مازاد داشت. همچنین گفته شد که مجموع صادرات کشور از ۱۴ میلیارد و ۶۶۷ میلیون دلار در ۹ ماه نخست سال ۷۶ به ۱۰ میلیارد و ۶ میلیون دلار در مدت مشابه سال ۷۷ کاهش یافت. نخانه بین المللی هم که در سال ۷۶، ۵ میلیاردو ۲۲۲ میلیون دلار بود، در ۹ ماهه سال ۷۷ به یک میلیارد و ۵۱ میلیون کاهش یافت.

افزایش روز افزون بهای کالاها و خدمات

از اوائل سال جاری بهای کالاها و خدمات با سرعت حریت آوری افزایش یافته است. با افزایش بهای هر لیتر بنزین از ۲۰۰ ریال به ۳۵۰ ریال، وسائل نقلیه شهری و بین شهری، کرایه ها را بین ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش دارند. نرخ بلیط اتوبوسهای بین شهری از فوریه این ماه در حد افزایش یافت. تاکسیها کش ها در تهران از ۱۰۰ به ۱۵۰ تومان افزایش یافت. سازمان اتوبوسرانی قزوین بهای بلیط اتوبوس ها را ۲۵ درصد افزایش داد. دربی افزایش بهای بنزین و نفت و گازوئیل و هزینه حمل و نقل، بهای کالاهای مصرفی روزمره نیز افزایش یافتد. این افزایش حتی شامل قند و شکر و سبب زمینی و پیاز هم شد. شرکت صنایع شیر ایران نیز از اواسط فوریه بیان شد. شرکت شیر شیشه ای را از ۴۵۰ به ۵۰۰ ریال و شیر نایلونی را از ۹۰۰ به ۱۰۰۰ ریال افزایش داد. شرکت مخابرات هم اعلام کرد که از اول فروردین ماه نرخ مکالمه هر پالس تلفن از ۲۶ ریال به ۲۲ ریال افزایش می یابد.

یا کار یا بیمه بیکاری

میلیونها کارگر در سراسر ایران به عنوان قربانیان نظام سرمایه داری، بیکار و گرسنه اند. سرمایه داران و دولت آنها هر روز به بهانه های مختلف گروه گروه کارگران را اخراج میکنند. هر سال چند هزار نفر از جوانان نیز به بازار کار سازیز میشوند که اغلب آنها نیز به صوف میلیونی ارتش بیکاران می پیونندند.

بیکاران باید با شعار یا کار یا بیمه بیکاری به مبارزه ای متعددانه برای تحقق خواستهای خود پیا خیزند.

اگر دولت نمیتواند ایجاد اشتغال کند، باید مثل دیگر کشورهای جهان به کارگران حق بیمه بیکاری بپردازد و بیمه بیکاری هم باید تامین کننده حداقل معیشت یک خانواده ۵ نفره کارگری باشد.

سازمان فدائیان (اقیقت)
کار - قانون - آزادی - حکومت شورائی

اعتراض و گردهم آئی

دانشجویان دانشگاه شاهد

دانشجویان رشته مامائی دانشگاه شاهد در اعتراض به فقدان امکانات آموزشی و رفاهی در واخر فروردین ماه دست به اعتراض زدند و در برابر ساختمان مرکزی این دانشگاه تجمع و تظاهرات نمودند. آنها خواهان تحقق مطالبات صنفی و رفاهی خود و ایجاد امکانات مناسب آموزشی شدند.

قراردادنفتی با دو شرکت خارجی

در ادامه حراج متابع نقی کشور و اگذاری دودستی آن به شرکت های امپریالیستی، اخیراً قراردادنگری میان شرکت ملی نفت ایران و دو شرکت خارجی به امضا رسید. قرارداد طرح توسعه میدان نقی بلال به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت الف آکتنی فرانسوی و شرکت بووالی کانادائی به امضا رسیده است که شرکت فرانسوی ۸۵ درصد و شرکت کانادائی ۱۵ درصد سهم را در اختیار دارند. میدان نقی بلال در حد کیلومتری جنوب غربی جزیره لاوان در خلیج فارس واقع شده است و میزان نفت قابل استحصال از آن ۴۰ هزار بشکه در روز میباشد که پس از سه سال از زمان امضا قرارداد یعنی در سال ۲۰۰۱ میلادی، اولین تولید آغاز میشود.

و خامت اوضاع اقتصادی و افزایش بدھی های خارجی دولت

بر طبق آمار منتشره از سوی بانک مرکزی، کل بدھی های خارجی و تهداد قطعی و احتمالی دولت به ۲۰/۶ میلیارد دلار رسید. مجموع سررسید بدھی های خارجی دولت در سال جاری ۵ میلیارد و ۶۷۳ میلیون دلار است. برطبق آمار ارائه شده

شرکت آ. اس. پ، اخراج و سرگردان شدند. طرح اخراج کارگران که از ۲۵ اسفند به اجرا درآمد است، اعتراض شدید کارگران را برانگیخته است. کارگران با ارسال یک نامه اعتراضی به مدیر کل کار استان تهران، خواستار رسیدگی به این مسئله شده اند.

دو کارگر در حین کار جان خود را از دست دادند

در یکی از کوههای پذخانه های یزد، کارگری بنام قزل احمد هنگام کار، با سقف کوره در میان شعله های آتش سقوط کرد و دراثر سوتگی شدید گرفتار شد. قابل ذکر است که این کوره، قبل از این نیز از چند نقطه دیگر ریزش کرده بود، اما صاحب کوره هیچ گونه اقدامی نسبت به تعمیر آن بعمل نیاورده بود. ریزش سقف کوره بعلت قدمت و فرسودگی، سر اجسام موجب مرگ این کارگر شد. نایمنی محیط کار و بی توجهی سرمایه داران به جان و زندگی کارگران که هر روز جان شمار زیادی از کارگران را می گیرد این بار جان کارگری را گرفت که سرپرست یک خانواده ده نفری بود.

دو کارگر افغانی به هنگام حفاری یک چاه آب در محوطه یک کارخانه بافتگی، دچار حادثه شدند. رحمان عزیزی ۳۱ ساله که در عمق ۵۰ متری مشغول حفاری بود، دچار گاز گرفتگی شد و کارگر دوم که برای نجات او به داخل چاه رفته بود، ناگهان پایش لغزید و به ته چاه سفوطکرد و درین جان سپرد.

ابعاد فاجعه بار حوادث ناشی از کار

روزنامه های رسمی رژیم از قول محجوب خبردارند که در کارگاه ها و کارخانه های کشور هر سال متجاوز از ۱۵۰۰۰ حادثه خطرناک اتفاق می افتد که منجر به صدمات شدید و یا مرگ کارگران می گردد. برطبق همین خبر گفته شد که سالانه ۱۰۰۰ کارگر براثر حوادث مختلف در کارگاه های کشور جان خود را از دست می دهدند.

رشد بیکاری در شهر های مختلف

روابط عمومی اداره کل کار و امور اجتماعی استان فارس اعلام کرد که در سال گذشته ۲۶ هزار و ۴۰۶ نفر جویای کاربی مراکز کاریابی مراجعته شدند و ثبت نام کرده اند که از این تعداد تنها ۱۴۷۸ نفر به کار گمارده شدند. در همین حال گفته شد که در استان ایلام نرخ رشد بیکاری بالای ۵۰ درصد است. با توجه به جمعیت ۵۰۰ هزار نفری استان ایلام در سال گذشته از مجموع زنان و مردان جویای کار تنها ۲۰۰ نفر جذب مراکز کار شده اند.

اعتراض دانشجویی

دانشجویان دانشکده پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، روز دوشنبه ۱۷ اسفند با برپائی یک تجمع، نسبت به امور آموزشی و مدیریت این دانشکده اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

کشور برای افزایش حقوق ، دست به اعتضاب زده‌اند.

اعتضاب کارگران برق در تایلند

بیش از ۱۰۰۰ تن از کارگران شرکت دولتی برق تایلند، در اعتراض به تصمیم دولت این کشور مبنی بر واگذاری نیروگاه برق شهر بانکوک به بخش خصوصی از روز ۲۱ آوریل دست به یک اعتضاب نامحدود زدند.

پایان اعتضاب رانندگان اتوبوس در سوئد

اعتضاب دو هفته ای ۱۶ هزارنفر از رانندگان اتوبوسهای شهری سوئدیس از تحقق برخی مطالبات پایان یافت. اعتضاب فوق در اعتراض به شرایط طاقت‌فرسایی کاربود. کارگران خواهان بھبود شرایط کار و افزایش مستمزدها بودند. روز ۱۰ مارس با برآورده شدن بخشی از خواستها، اعتضاب پایان یافت.

اعتراضات کارگری در رومانی

بیش از ۱۰۰ هزارنفر از کارگران رومانی روز ۲۴ مارس در چند شهر این کشور به پریائی راه پیمانی و تظاهرات دست زدند. در بوخارست، بیش از ۱۰ هزار کارگر در مقابل ساختمان پارلمان تجمع نموده و خواهان افزایش مستمزدها متناسب با نرخ تورم، تغییر قانون کار فعلی، توقف اخراج کارگران و کاهش قیمت کالاهای اساسی در این کشور شدند. کارگران به دولت این کشور هشدار دادند در صورت عدم پاسخ به مطالباتشان، در ماه های آتی دست به یک اعتضاب عمومی خواهند زد.

اعلام حکومت نظامی در اکوادور به منظور سرکوب کارگران

با تشدید بحران اقتصادی در آمریکای جنوبی، روند خصوصی‌سازی مراکز تولیدی شتاب بیشتری گرفته است. دولت اکوادور برای برونو رفت از بحران موجود یکسری راه حل‌هایی اتخاذ نموده که چیزی جز افزایش فقر و فلاکتو بیکاری کارگران ببارانیاورد است. رئوس کلی این سیاستها، افزایش مالیات‌های اقشار کم درآمد، انجماد مستمزدها و تسربی روند خصوصی سازیها و ایضاً اخراج کارگران است. در اعتراض به این اقدامات روز ۱۰ مارس، کارگران و کارمندان شاغل در بخش دولتی اکوادور بپریائی یکاعتراض عمومی بناشیش گذاشتند. دولت نیز در هراس از گسترش دامنه این اعتضاب، دو روز اعتضاب را تعطیل عمومی اعلام نمود. اما برغم تهدیدات مکرر دولت، هزاران کارگر به راه پیمانی و تظاهرات دست زدند. در این روز بیش از ۱۵ هزار مامور پلیس و ارتش به صفوف کارگران حمله کرده و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند که درنتیجه آن صدها تن مجروه شدند. بار دیگر در روز ۲۳ مارس، هزاران کارگر و دانشجوی معتبر بیش از ۱۰۰۰ تن از کارگران شرکت دولتی برق تایلند، در اعتراض به تصمیم دولت این کشور مبنی بر واگذاری نیروگاه برق شهر بانکوک به بخش خصوصی از روز ۲۱ آوریل دست به یک اعتضاب نامحدود زدند.

های چند شهر این کشور را به صحنۀ درگیری و زد خورد با مامورین سرکوبگر پلیس و ارتش تبدیل نمودند. در شهر Kingston پایتخت این کشور، هزاران تظاهرکننده خشمکین خیابانهای اصلی این شهر را تحت کنترل خود درآورده و اعتراض خود را به این تصمیم دولت به نمایش گذاشتند. در جریان این اعتراضات، مامورین پلیس با گشودن آتش به روی تظاهرکنندگان ۴ نفر را به قتل رسانده و دهها نفر را زخمی نمودند. روز ۲۰ آوریل هزاران رانندۀ اتوبوس های شهری و تاکسی در همبستگی با تظاهر کنندگان دست از کار کشیده و چند شهر جامائیکا را به تعطیلی کامل کشاندند. این اعتراض وسیع، سرانجام تنها پس از چند روز دولت این کشور را وادرار به عقب نشینی نمود. و افزایش قیمت مواد سوختی تا اطلاع ثانوی لغو شد.

اعتضاب عمومی در کره جنوبی

روز ۱۹ آوریل، بیش از ۱۰ هزارنفر از کارگران متزو در شهر سئول، پایتخت کره جنوبی، دست به یک اعتضاب نامحدود زدند. لغو تعیین شرایط کار و مستمزدها از طریق قراردادهای دسته جمعی، کاهش مستمزدها و اخراج هزاران کارگر در نتیجه خصوصی شدن مراکز تولیدی، از جمله دلایل اعتضاب کارگران بودند. پس از اعتضاب کارگران، پس از اعتضاب کارگران دسته کارگری مستگیر شده و دولت این کشور در هراس از گسترش دامنه اعتضاب، برگزاری هر گونه اکسپویون را غیرقانونی اعلام کرد. آنان کارگران را تهدید نموده در صورت پریائی هرگونه اعتراض، اخراج خواهند شد. علیرغم این تهدیدات، روز ۲۶ آوریل صدها هزارنفر از کارگران، کارمندان و دانشجویان در شهرهای مختلف دست به تظاهرات و راه پیمانی علیه فقر و بیکاری زدند. با گسترش این اعتراضات کلیه کارخانه‌ها، ادارات، دانشگاه‌ها و مدارس تعطیل شدند. تنها یکی از نمونه‌های همبستگی با اعتضابیون، پیوستن ۵۵ هزار کارگر شرکت دولتی تلفن کره جنوبی بود.

اعتضاب معنی‌نگیان در کنگو

۶۰ کارگر معدن مس در حوالی شهر "کین شناسا" روز ۲۲ آوریل دست از کار کشیدند. اعتضاب معدن‌چیان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها در ماه‌گذشته و مخالفت با تضمیمات دولت مبنی بر اخراج هزاران معدنچی صورت گرفت. روز ۲۶ آوریل، رئیس جمهور کنگو به نمایندگان کارگران و عده داد که به خواست کارگران رسیدگی کند.

تعطیلی دهها بیمارستان در کلمبیا

در اعتراض به تصمیمات دولت کلمبیا مبنی بر اخراج کارکنان و پرسنل بخش بهداشت عمومی، روز ۲۸ آوریل ۱۵ هزار کارگر، پرستارو کارمند شاغل در دهها بیمارستان در این کشور دست از کار کشیدند. لازم به ذکر است که از تاریخ ۲۶ آوریل نیز بیش از نیم میلیون معلم در این



گسترش اعتضاب کارگران راه آهن فرانسه

روز ۳ مه سال جاری اعتضابی که از یک هفته پیش در راه آهن فرانسه توسط دو سندیکای "خودگردان" آغاز شده بود گسترش ترشد. در این روز گفته شد که دلیل گسترش اعتضاب پیوستن کارگران عضویت به این حرکت اعتراضی می‌باشد و این در حالی بودکه رهبری سندیکای راه آهن ثبت شده تا این روز اعلام اعتضاب تکرده بود اعضا پایه در واقع باور داشتند. سرانجام در پایان روز ۳ مه، ثبت اعلام نمود که از ۱۰ مه رسما به این اعتضاب می‌پیوندد. این در حالی بود که رهبری ثبت متمهم شده بود که نمیخواهد با پیوستن به این جنبش اعتراضی مشکلی برای وزیر راه و حمل و نقل که از حزب کمونیست است ایجاد کند. اعتضاب کارگران در اعتراض به طرح سی و پنج ساعت کار در هفته است.

اعتضاب پیروزمند کارگران کارخانه موادغذایی "لوئی کاد"

هزارتن از کارگران کارخانه موادغذایی "لوئی کاد" در منطقه فینیستر فرانسه روز ۳ مه پس از تحقیق مطالباتشان با موفقیت به اعتضاب به روزه خود پایان دادند. اعتضاب پیروزمند کارگران منجر به افزایش صد تا دویست فرانک به حداقل دستمزدها صدفرانک به کلیدستمزدها گشت.

اعتضاب کارگری در آفریقای جنوبی

۱۵ هزار نفر از رانندگان اتوبوسهای شهری در سراسر آفریقای جنوبی روز ۱۰ آوریل دست از کار کشیدند. اعتضاب فوق در اعتراض به مخالفت کارفرما با افزایش دستمزدها به میزان حداقل ۱۰ درصد بود. کارفرمای اعلام نمود که دستمزدها تنها به میزان ۷ درصد افزایش خواهد یافت. ازسوی دیگر تمامی ۱۸ هزار نفر کارگر بزرگترین معدن پلاتین جهان در آفریقای جنوبی از روز ۲۲ آوریل دست از کار کشیدند. معدنچیان در اعتراض به کاهش تسهیلات رفاهی و عدم تعهد کارفرما به توافقات فیما بین با کارگران انجام گرفت.

تظاهرات کارگران و دانشجویان در جامائیکا

افزایش یکباره قیمت موادساختی و بنزین به میزان ۲۰ درصد، موجی از خشم و اعتراض را در جامائیکا دامن زد. روز ۱۹ آوریل هزاران نفر کارگر و زحمتکش، دانشجو و بیکار خیابان

که حکم دادگاه بدبوی را تغییر دهنده. این دادگاه روز ۲۴ آوریل سال جاری رای خود را صادر کرده و در بهترین حالت حکم اعدام وی را به حبس ابد تبدیل خواهد نمود. در همین رابطه روز ۲۴ آوریل راه پیمانی های متعددی با شعار "میلیونها نفر برای مومیا" در کشورهای مختلف برگزار شد. در دانمارک تعدادی از اتحادیه های کارگری و سازمانهای مدافعان حقوق بشر بدعوت سازمان عفو بین الملل در این کشور، تظاهراتی را روز ۵ مارس در مقابل سفارت آمریکا در شهر کپنهاگ برگزار نمودند. علاوه بر این روز اول ماه مارس نیز راه پیمانی بزرگی در محله سیاپوست Bronx نیویورک برگزارشد.

همزمان با گسترش کارزار همبستگی با مومیا ابوجمال، روز ۴ فوریه یک جوان مهاجر سیاه پوست از کشور گینه توسط ۴ امدور سفیدپوست پلیس در شهر نیویورک به قتل رسید. این جنایت نژادپرستانه موج وسیعی از اعتراض را در محلات سیاپوست نشین شهرهای مختلف آمریکا دامن زد. در محله Bronx صدها جوان خشمگین با نیروهای سرکوبگر پلیس درگیر شده و خشم و نفرت خود را از این اعمال نژادپرستانه بنمایش گذاشتند.

کارگران اوکرائین: "حقوق معوقه مارا پرداخت کنید!"

مبازه کارگران اوکرائین برای دریافت دستمزد های معوقه خود مجددًا اوج تازه‌های گرفته است. در طول ماه مارس چندین حرکت اعتراضی از سوی کارگران انجام گرفت که نشان از عزم راسخ کارگران برای دستیابی به مطالبات خود دارد.

روز ۲ مارس، ۶۰۰ نفر از کارگران خدمات درمانی در شهر Simfopol دست به راهپیمائی و تظاهرات زدند. کارگران اعلام نمودند که دولت اوکرائین مبلغی بالغ بر ۱۲ میلیون دلار از بابت دستمزدهای معوقه، به کارگران مقروض است. از روز ۶ مارس تمامی کارکنان و کارگران ۵ نیروگاه اتمی در سراسر اوکرائین دست از کار کشیده و اعلام نمودند که تا پرداخت کامل دستمزدهای معوقه خود، که مبلغی بالغ بر ۱۵ میلیون دلار میباشد، به سرکارهای خود باز نخواهند گشت. اعتضاییون در اطراف این نیرو گاهها اقدام به پرپایی چادر نموده و حدود ۲ هزار نفر از کارگران همزمان با تحصن در این چادرها دست به اعتضای غذا زدند.

معدنچیان اوکرائین نیز مبارزات خود را برای پرداخت دستمزدهای معوقه تشدید نموده اند. روز ۹ مارس بیش از ۱۰۰۰ نفر از معدنچیان یکی از معادن اوکرائین، کار را تعطیل نموده و دست به یک راه پیمانی ۴ روزه زدند. بدھی دولت به کارگران از بابت دستمزدهای معوقه مبلغی بالغ بر ۷۰۰ میلیون دلار میباشد. این درحالی است که تنها در سال گذشته ۱۲۰ معدن این کشور تعطیل شده و بیش از ۳۷۲ هزار نفر معدنچی کار خود را از دست داده اند. براساس تصمیمات دولت، تا سال ۲۰۰۰ بیش از ۸۰ معدن دیگر نیز در این کشور تعطیل خواهد شد که نتیجه آن نیز بیکاری هزاران کارگر معدن خواهد بود.

دولتی (SZEF) انجام گرفت. در حالی که دولت مجارستان اعلام نموده که دستمزدها تنها به میزان ۱۲ درصد افزایش خواهد یافت. تظاهر کنندگان در این روزخواستار افزایش دستمزدها به میزان ۱۶ درصد شدند. خواست دیگر کارگران در این روز، توقف سیاست "تعديل اقتصادی" دولت بود که به بهانه آن صدها کارگر در رسال جاری اخراج خواهند شد.

دست از کار و درس کشیده و به اعتراضات خود ادامه دادند.

اعتضاب کارگران شرکت دولتی تلفن در باهاما

روز ۲۳ مارس صدها کارگر شرکت دولتی تلفن در باهاما، در اعتراض به واکنش این شرکت به بخش خصوصی، ساختمان مجلس این کشور را به اشغال خود درآوردند. پلیس با حمله به تظاهر کنندگان، دهها تن را دستگیر نمود. لازم ذکر است که با خصوصی شدن این شرکت، ۱۱۰ کارگر اخراج خواهند شد.

اعتضاب رانندگان کامیون در کلمبیا

قریب به ۱۰۰ هزار نفر از رانندگان کامیونهای باری در سراسر کلمبیا از روز ۹ مارس دست به یک اعتضاب نامحدود شده و خواستار بهبود شرایط کار خود شدند. افزایش عوارض در جاده های خارج از شهر، پائین بودن سطح دستمزدها و کیفیت نازل این راههای ارتباطی این کشور از جمله دلائلی است که این رانندگان زحمتکش را وارد این اعتراض و اعتضای نموده است.

اعتضاب عمومی در نیجریه

بعد از اتحادیه سراسری کارگران نیجریه (NLC) هزاران نفر از کارگران این کشور از روز ۱۵ مارس دست به یک اعتضاب نامحدود زدند. این اعتضاب در اعتراض به دولت نظامی این کشور راه پیمانی و تظاهرات در شهر نیوکاسل زدند این حرکت در اعتراض به میزان "حداقل دستمزد" وجود تبعیض سنی بین کارگران برپا شد.

کارزار جهانی برای آزادی مومیا ابوجمال

اکنون بیش از ۲۰ سال است که مومیا ابوجمال مبارز سیاپوست آمریکائی به جرم ساختگی قتل یک مامور پلیس، در "راهروی مرگ" زندان شهر فیلادلفیا به "انتظار" اجرای حکم اعدام خود نشسته است. محکومیت ابوجمال در واقع بخشی از توطئه مقامات پلیس ایالت پنسیلوانیا است که به تلافی فعالیت‌های خستگی ناپذیر وی در راه افشاهمه جانبه تبعیض نژادی سیستماتیک در ماشین دولتی آمریکا، بویژه پلیس این کشور و تلاش برای به رسمیت شناختن حقوق شهروندی رنگین پوستان این کشور، انجام میگیرد. در این مدت فعلیان آزادی مومیا ابوجمال نیز کارزار وسیعی را برای رهائی وی به راه انداده اند. برغم این تلاشها، روز ۲۰ اکتبر سال گذشته دادگاه عالی ایالت پنسیلوانیا حکم دادگاه بدبوی را تائید نمود. به این ترتیب حکم اعدام وی تنها باید به تأیید فرماندار این ایالت رسیده و تاریخ اجرای حکم تعیین گردد. در عین حال وکلای مدافع مومیا ابوجمال با ارجاع این حکم دادگاه ایالتی به دادگاه فدرال، تلاش دارند

تظاهرات میلیونی در مکزیک

در اواسط ماه مارس قریب به یک میلیون نفر کارگر، دانشجو و دهقان در سراسر مکزیک به خیابانها آمدند و دست به تظاهرات و راه پیمانی زدند. اعتراض مردم به سیاستهای اقتصادی است که از سوی موسسات مالی امپریالیستی به دولت این کشور دیکته شده است. براساس این سیاستها صنایع دولتی به بخش خصوصی واکذار شده است که نتیجه مستقیم آن اخراج کارگران و گسترش صفوی بیکاران بوده است. داشنگاههای این کشور نیز از این سیاستهای سرمایه دارانه در امانت نمانده و با برقراری شهریه های بالا، عملاً مکان تحصیل برای فرزندان کارگران و زحمتکشان مکزیک از بین رفته است.

کارگران مجارستان خواهان افزایش دستمزدهای خود شدند

روز ۲۰ مارس بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران بخش دولتی مجارستان در مقابل ساختمان پارلمان این کشور در بوداپست تجمع نمودند. این اعتراض بعد از اتحادیه کارگران بخش



همبستگی بین المللی کارگران زنده باد رفقای کارگر!

روز اول ماه مه نزدیک می شود . میلیون ها کار کر در ۵ قاره جهان آماده می شوند تا بار دیگر قدرت و همبستگی بین المللی خود را در تمام جهان به نمایش بگذارند.

اول ماه مه نشانه ای از قدرت و اتحاد تمام پرولترهای جهان است. این واحدن، اهداف و منافع شان یکی است و دشمن واحدی دارند. اول ماه مه سمبول آشتبانی ناپذیری طبقه کارگرها نظم ستمکرane و استثمارگرانه سرمایه داریست. این نظام که بنیادش بر استثمار کارگران بنا شده است و اکثریت عظیم مردم زحمتکش را به فقر و سیبه روزی، تباہی جسمی و روحی سوق داده است، نظامی غیرانسانی است که هرگونه توجیه وجودی خود را ازدست داده است . این نظام به مانعی برسرراه تحول تاریخی و رفاه و خوشبختی و برآوری انسانها تبدیل شده است. طبقه کارگر برای برافکنند این نظام واستقرار نظام سوسیالیستی بدون طبقات و بدون استثمار به پا خاسته است . ماهیت نظام سرمایه داری در سراسر جهان یکی است و در تمام کشورهای سرمایه داری ، کارگران توسط طبقه سرمایه دار استثمار میشوند. اما درکشور هائی نظیر ایران که دیکتاتوری عربیان حاکمیت دارد و مردم از ابتدائی ترین حقوق و آزادی های سیاسی محروم اند، استثماری خشن و وحشیانه وجود دارد و شرایط مادی و معیشتی کارگران به نحو غیر قابل تسلیم نموده است . دستمزدی که سال مدارو است که دستمزد واقعی کارگران دائم "کاهش یافته و سطح معیشت آنها پیوسته تنزل نموده است . دستمزدی که امروز کارگران در ایران دریافت می کنند حتی جوابگوی نیمی از هزینه های اولیه زندگی نیست . کارگران در ایران با فقر مطلق رو بروهستند و سال به سال به سال فقیرتر میشوند. یکی دیگر از نتایج فاجعه بار نظام سرمایه داری حاکم پرایران، بیکاری میلیونها کارگری است که این نظام غیرانسانی آنها را به خیابانها پرتاپ کرده است. بحران اقتصادی پرایعاد این فاجعه افزوده و هر روز هزاران کارگر دیگر به ارتش بیکاران می پیویندند . تنها در همین یک سال گذشته صدھا هزار کارگر توسط سرمایه داران اخراج شده و ازداشتن یک لقمه نان خشک و خالی هم محروم شده اند. شرایط وحشیانه استثمار در ایران و بی حقوقی کارگران به سوانح ناشی از کار نیز ابعادی فاجعه بار داده است . هر سال چند صد هزار کارگر به علت نایمنی محیط کاردچار سانحه می شوند. آمارهای رسمی می گویند که دریک سال گذشته، بیش از ۱۵ هزار حادثه خطرناک در کارگاهها و کارخانه ها رخ داده و ۱۰۰۰ کارگر جان باخته اند. اما این وحشی گری های سرمایه داران و فجایعی که نظام سرمایه داری در ایران به بار آورده بدون جواب نمانده است. کارگران در یک سال گذشته درصد ها مورد دست به اعتصاب، راه پیمایی، تظاهرات زده و خواستار تحقق مطالبات خود شده اند، کارگران خواهان افزایش دستمزد، توقف اخراج ها و برسیمت، شناختن تشکل های مستقل کارگری هستند.

رفقای کارگر!

تنها اتحاد و همبستگی در مبارزه علیه سرمایه داران و دولت آنها، ضامن پیروزی است . رژیم جمهوری اسلامی به عنوان رژیمی سرکوبگر و پاسدار نظام سرمایه داری، مانع اصلی بر سرراه هرگونه بهبود وضعیت کارگران است . مبارزه متعدد خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان تشید کنید . با آرزوی پیروزی قطعی کارگران بر سرمایه داران و سرنگونی نظام سرمایه داری در سراسر جهان، سازمان فدائیان (اقلیت) روز اول ماه مه را به عموم کارگران شاد باش می گوید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
سرنگون باد نظام سرمایه داری

زنده باد سوسیالیسم
زنده باد همبستگی بین المللی کارگران
سازمان فدائیان (اقلیت) اردیبهشت ۱۳۷۸

خجسته باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر!

کارگران مبارز !

اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران فرا رسیده است. میلیونها کارگر در سراسر جهان، هر ساله در اول ماه مه، دست از کار می کشند و با بر پایی تظاهرات، راه پیمایی و جشن و سرور، اتحاد و همبستگی طبقاتی خود را در مبارزه علیه سرمایه به نمایش می گذارند.

کارگران ایران امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه میروند که جمهوری اسلامی، سیاست تعریض هرچه بیشتر به زندگی و سطح معیشت کارگران را ادامه داده و این سیاست را تشدید نموده است . حکومت اسلامی که با ورشکستگی مالی و یک بحران عقیق و همه جانبی اقتصادی دست به گریبان انداخته این واحدن، اهداف و منافع شان یکی است و دشمن واحدی دارند. اول ماه مه سمبول آشتبانی ناپذیری طبقه کارگرها نظم ستمکرane و استثمارگرانه سرمایه داریست. این نظام که بنیادش بر استثمار کارگران بنا شده است و اکثریت عظیم مردم زحمتکش را به فقر و سیبه روزی، تباہی جسمی و روحی سوق داده است، نظامی غیرانسانی است که هرگونه توجیه وجودی خود را ازدست داده است . این نظام به مانعی برسرراه تحول تاریخی و رفاه و خوشبختی و برآوری انسانها تبدیل شده است. طبقه کارگر برای برافکنند این نظام واستقرار نظام سوسیالیستی بدون طبقات و بدون استثمار به پا خاسته است . ماهیت نظام سرمایه داری در سراسر جهان یکی است و در تمام کشورهای سرمایه داری ، کارگران توسط طبقه سرمایه دار استثمار میشوند. اما درکشور هائی نظیر ایران که دیکتاتوری عربیان حاکمیت دارد و مردم از ابتدائی ترین حقوق و آزادی های سیاسی محروم اند، استثماری خشن و وحشیانه وجود دارد و شرایط مادی و معیشتی کارگران به نحو غیر قابل تسلیم نموده است . دستمزدی که سال مدارو است که دستمزد واقعی کارگران دائم "کاهش یافته و سطح معیشت آنها پیوسته تنزل نموده است . دستمزدی که امروز کارگران در ایران دریافت می کنند حتی جوابگوی نیمی از هزینه های اولیه زندگی نیست . کارگران در ایران با فقر مطلق رو بروهستند و سال به سال به سال فقیرتر میشوند. یکی دیگر از نتایج فاجعه بار نظام سرمایه داری حاکم پرایران، بیکاری میلیونها کارگری است که این نظام غیرانسانی آنها را به خیابانها پرتاپ کرده است. بحران اقتصادی پرایعاد این فاجعه افزوده و هر روز هزاران کارگر دیگر به ارتش بیکاران می پیویندند . تنها در همین یک سال گذشته صدھا هزار کارگر توسط سرمایه داران اخراج شده و ازداشتن یک لقمه نان خشک و خالی هم محروم شده اند. شرایط وحشیانه استثمار در ایران و بی حقوقی کارگران به سوانح ناشی از کار نیز ابعادی فاجعه بار داده است . هر سال چند صد هزار کارگر به علت نایمنی محیط کاردچار سانحه می شوند. آمارهای رسمی می گویند که دریک سال گذشته، بیش از ۱۵ هزار حادثه خطرناک در کارگاهها و کارخانه ها رخ داده و ۱۰۰۰ کارگر جان باخته اند. اما این وحشی گری های سرمایه داران و فجایعی که نظام سرمایه داری در ایران به بار آورده بدون جواب نمانده است. کارگران در یک سال گذشته درصد ها مورد دست به اعتصاب، راه پیمایی، تظاهرات زده و خواستار تحقق مطالبات خود شده اند، کارگران خواهان افزایش دستمزد، توقف اخراج ها و برسیمت، شناختن تشکل های مستقل کارگری هستند.

معهذا برغم تمامی این فشارها و محرومیت ها، جمهوری اسلامی نه فقط قادر نبوده است جلو جنبش اعتراضی کارگران را بگیرد، بلکه اعتراضات مکرر کارگران در شکل اعتصابات، تجمعات، تظاهرات، راه پیمایی و سایر اشکال مبارزه کارگری از رشد قابل ملاحظه ای نیز برخوردار شده است. کارگران ایران که جزء لاینفکی از ارتش بین المللی کارعلیه سرمایه اند، امسال نیز همچون سالهای گذشته و حتی پرشورترو گسترده ترزاں سالهای گذشته، روز اول ماه مه را جشن میگیرند و از این طریق ، اتحاد و همبستگی خود را با سایر کارگران در سراسر جهان اعلام میدارند.

کارگران مبارز !

جمهوری اسلامی حافظ نظم غیر عادلانه موجود و حراست کننده منافع استثمارگران است. این رژیم که از بنیاد مخالف آزادیهای سیاسی است، همواره مطالبات کارگری را با زور و سرسنیزه پاسخ داده و آشکارا حقوق اولیه و دمکراتیک کارگران را نقض کرده است. نخستین گام در راه آزادیهای سیاسی و ایجاد نظمی عاری از ستم و استثمار، جارو کردن بساط حکومت اسلامی است. معهذا مادام که این رژیم هنوز سرنگون نشده و به حیاط انکل وار خود ادامه میدهد، کارگران فقط و فقط با تشدید مبارزه و تقویت اتحاد خویش است که قادرند سرمایه داران و دولت آنها را عقب براند و خواستها و حقوق یا بیمال شده خود از جمله حق ایجاد تشکل مستقل کارگران، تقویت جنبش مستقل کارگری و در گرو سراسری کردن مبارزات است . با حمایت مجدهانه از مبارزات کارگری ، به استقبال اول ماه مه برویم و این روز خجسته را به همه کارگران شاد باش بگوئیم.

خجسته باد اول ماه مه روز جهانی کارگر !
مرگ بر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم
کمیته دفاع مشترک آزادی مبارزات کارگران ایران
اردیبهشت ۱۳۷۸

کمیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایران متشکل است از: حزب کمونیست ایران - سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - سازمان فدائیان (اقلیت) - سازمان کارگران فدائیان (اقلیت) - حکومت شورائی

خبرگارگری جهان

محاكمه ۱۳ کارگر در بلژیک

چگونه میتوان از ...

تعرضی دیگر به حقوق کارگران

خصوصی سازی کارخانجات و موسسات تولیدی و انتقال تولید به دیگر کشورها به منظور استفاده از نیروی ارزان کارگران، در اغلب کشورهای جهان نتیجه‌های جز اخراج‌های گسترشده و بیکارسازی‌های وسیع نداشته است. همین امر مقاومت کارگران را دامن زده و مبارزه وسیعی در تمامی کشورهای جهان برای حفظ اشتغال در گرفته است. از جمله میتوان به مبارزات کارگران کارخانه فلز سازی Clabecq forges Clabecq اشاره نمود. در اواسط دهه ۸۰ میلادی بیش از ۶۵۰۰ نفر کارگر در این کارخانه اشتغال داشتند. اما زمانیکه در سال ۱۹۹۶ فرمان تعطیل این کارخانه توسط کمیسیون اروپا صادر شد، تنها ۱۸۰۰ کارگر در این کارخانه باقی ماند. همین کارگران هم بلافاصله پس از روشن شدن تصمیم کارفرما در مقابل تعطیلی کارخانه دست به یک مبارزه همه جانبه‌زده و سرانجام، پس از ماهه اعتراض و زدوخورد با مأمورین پلیس، موفق شدند کارفرما را وادار به عقب نشینی کرده و مانع از تعطیل این کارخانه بشوند. مبارزه یکپارچه فلزکاران کارخانه Clabecq که میتوانست الگوی مبارزاتی برای کارگران دیگر کارخانه‌ها باشد، سرمایه داران این کشور را به وحشت انداخته و آنها را وادار نمود تا برای درهم شکستن مقاومت کارگران در مقابل تعطیل مرکز تولید، به فکر چاره ایی بیفتند. چاره هم چیزی خز اخراج فعالیت کارگری که در این مدت مبارزه فلزکاران این کارخانه را سازماندهی و هدایت نموده بودند، نبود. مقامات قضائی بلژیک به سرعت دست به کار شده و ۱۳ نفر از فعالیت کارگری این کارخانه را با اتهام ساختگی "ایجاد آشوب و دعوت کارگران به مقاومت مسلحانه در برابر تعطیلی کارخانه" به دادگاه کشاندند. در مینی رابطه موج وسیعی از ممبستگی با این کارگران به راه افتاده و هزاران کارگر با تجمع روزانه در مقابل ساختمان دادگستری در شهر Clabecq، جلسات دادگاه را عملاً مختلف نموده و پیرامون دموکراسی بورژوائی کشورهای غربی دست به افشاگری زدند. روز ۷ مارس نیز صدها نفر از کارگران در میدان مرکزی شهر Clabecq گردید آمده و خواستار آزادی فوری رفقاء کارگر خود شدند.

باید به شکلی متسلک و مستقل در برابر این تعزیزات حکومت اسلامی به حقوق و دست آوردهای کارگران ایستادگی کنند. کارگران مدافعان قانون کار ضدکارگری جمهوری اسلامی نیستند بلکه برای یک قانون کار انقلابی که از حقوق کارگر دفاع کند، مبارزه میکنند، اما تا حصول به آن هدف، حتی از کوچکترین دست آورده‌خواش در قانون کار موجود دفاع میکنند. کارگران مخالف آن هستند که کارگاه‌های کوچک از دایره شمول قانون کار کنار گذاشته شوند.

از تشکلهای وابسته به رژیم بوده اند، اما هنوز به شدت ازدو ناحیه یکی از ناحیه خود بخودی بودن و یکی هم ازناحیه خرابکاری تشکل‌های وابسته به رژیم رنج میرند. ثانیاً این مبارزات و اعتراضات اساساً پراکنده و جدا از هم بوده است واز همیزرو هم نتوانسته است تاثیرات مطلوب و رضایت‌بخشی نه درخنثی سازی تعزیزات سرمایه داران و نه بطريق اولی در پیشروی معنی دارکارگران بر جای بکارند.

کارگران میباشیست تمامی این مواعن و محدودیتها را از سرراه حرکت مستقل خویش بردارند. در از میان برداشتن این مواعن و کمپودها، کارگران آگاه و پیشرو و فعالیت‌جنبش کارگری باشیست پیشقدم شوند. این نکته "کامل" روشن است که در برابر سرمایه داران و تعریض آنها و برای مبارزه علیه کارفرمایان، کارگران اعم از اخراجی، بیکار و یا مشغول بکار، راهی جز اتحاد و یکپارچگی و مبارزه متخلک ندارند.

یکپارچگی و اتحاد مبارزاتی، قبل از هرچیز در گرو آن است که تشکل‌های وابسته به رژیم اعم از شوراهای اسلامی کار و یا خانه کارگر را از دخالت و خرابکاری درامور خود باز دارند و با استفاده از موقعیت و شرایط موجود و تعیین شکاف در میان جای‌های حکومتی، تشکل‌های مستقل خویش را در رهبر کارخانه و موسسه تولیدی بروپا کنند. نفس بروپائی تشکلهای مستقل کارگری، نه فقط کام بسیار مهم و به پیشی است برای جنبش کارگری، بلکه خود این مسئله، مبارزه و جنبش کارگری را چندین گام به جلوسوق خواهد داد. کارگران از طریق تشکلهای مستقل خود در هر کارخانه، نه فقط بهتر می‌توانند در برابر کارفرما بایستند و از اجحافات اوجلوگیری نمایند و مطالبات خاص خود را به او بقولانند، بلکه از پیوند این تشکلهای مستقل می‌توانند تشکلهای مستقل و سراسری خویش را نیز ایجاد کنند. ایجاد تشکلهای مستقل و سراسری کارگری بخودی خود نه فقط کام بسیار بلندی است به پیش و در راستای به میدان آمدن مستقل طبقه کارگر، بلکه در مصاف و رویاروئی این طبقه با طبقه سرمایه دار، به او کمک میکند تا مبارزه ای ژرف تر و عمیق تری را در مقیاس سراسری سازمان دهد تانه فقط تعزیزات سرمایه داران شود، بلکه به تعزیز علیه انان نیز دست بزند.

داده شود، با تصویب آئین نامه قراردادهای موقت به سرمایه داران امکان داده کارگران میکنند. ادعای سران خانه کارگر مبنی بر این که مخالف تصویب این طرح هستند جز یک عوام‌فریبی چیز دیگری نیست. تفاوت اینها با دیگر جناحهای حکومت بر سر مسائلی از این دست، یک تفاوت صوری است. اینها نیز میخواهند همین سیاست عملاً پیش برد شود، اما برای جلوگیری از اعتراض کارگران و مهار و کنترل مبارزه آنها رسمی در قانون کار تغییری داده نشود. همه میدانند که سرکرده این جناح در وزارت کار، بدون این که تغییری در قانون کار

کار بودند که سرمایه داران بدون هرگونه مانع و محدودیتی در مورد دستمزدها، استفاده و اخراج کارگران و ساعت کار تصمیم بگیرند. آنها ادعا میکردند که بدین طریق امکان بیشتری برای سرمایه داران داخلی و بین‌المللی به منظور سرمایه گذاری فراهم خواهد شد و امکان اشتغال افزایش می‌باید. امروز هم همان هدف به شکل دیگری دنبال می‌شود. از کارگاه‌های کوچک شروع کرده‌اند تا به کارخانه‌های بزرگ برسند. امروز هم کسانی که طرح را ارائه داده‌اند، ادعا میکنند، با تصویب آن امکان اشتغال و رفاه را از سرراه حرکت مستقل خویش بردارند. اما واقعیت چیز دیگری است. هدف اصلی، تشدید استثمار کارگران و افزایش سود سرمایه داران است. با تصویب این طرح نه تنها حق و حقوق کارگران رسمی و علناً از آنها سلب خواهد شد، بلکه استثمار کارگران کارگاه‌های کوچک بمنحو بی‌سابقه‌ی تشدید می‌شود. با تصویب این طرح، دست کارفرما کاملاً بازخواهد بودکه بنا به میل و اراده خود دستمزد کارگر را تعیین کند و ساعت کار را افزایش دهد. کارگر، دیگر رسمی از هرگونه حق در مورد بیمه بیکاری، درمان و بازنیستگی محروم خواهد شد. از آنجایی که کارفرما دیگر هیچگونه مسئولیتی در برابر مسائلی چون سوانح ناشی از کار ندارد، بر ابعاد حوادث ناشی از کار افزوده خواهد شد. با تصویب این طرح، گروه زیادی از کارگران که تاکنون مشغول بکار بوده و احیاناً در محدوده‌ای از حق و حقوقی برخوردار بوده‌اند، اخراج می‌شوند. تعدادی از کارگاه‌های کوچک که تعداد کارگران آنها بیش از ۳ نفر است، آنها نیز عجالتاً شروع به اخراج کارگران میکنند، تا کارگاه آنها مشمول قوانین کار شود.

خلاصه کلام این که بیش از ۲ میلیون کارگری که در یک میلیون و ۴۰۰ هزار کارگاه دارای ۳ کارگر و کمتر مشغول بکارند، با محروم شدن از هرگونه حق و حقوقی در معرض وحشیانه ترین استثمار قرار خواهند گرفت. بعد از اینهم نوبت کارگران کارگاه‌های بزرگتر کارخانه‌ها فراخواهد رسید. بنابراین روشن است که تصویب این طرح از جهات مختلف به زیان کارگران و علیه آنهاست.

جنابهای مختلف حکومت از باصطلاح چپ تا راست آنها در این اقدام علیه کارگران مشترکاً عمل میکنند. ادعای سران خانه کارگر مبنی بر این که مخالف تصویب این طرح هستند جز یک عوام‌فریبی چیز دیگری نیست. تفاوت اینها با دیگر جناحهای حکومت بر سر مسائلی از این دست، یک تفاوت صوری است. اینها نیز میخواهند همین سیاست عملاً پیش برد شود، اما برای جلوگیری از اعتراض کارگران و مهار و کنترل مبارزه آنها رسمی در قانون کار تغییری داده نشود. همه میدانند که سرکرده این جناح در وزارت کار، بدون این که تغییری در قانون کار

پیام و فراخوان مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر

اما فراموش نکنید که شما برای آنکه بتوانید در برایر کارفرما از حقوقتان دفاع کنید، به تشکل صنفی مستقل خودتان احتیاج دارید. همین طور برای آنکه همه کارگران بتوانند یکپارچه در مقابل بی‌حقی‌ها و فشارهایی که درنتیجه سیاستهای عمومی طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داران برآنان وارد می‌شود مقاومت، و از حقوقشان دفاع کنند، به تشکل های سراسری کارگری نیازمندند، زیرا که "خانه کارگر" ابزار دست دولت برای کنترل کارگران و وابسته کردنشان به رژیم است. پس تشکل مستقل که تنها وسیله اتحاد و قدرت شماست، در مبارزه برای بدست آوردن حقوقتان از نان شب برای شما واجب تر است و لازم است که "حق تشکل مستقل" را در راس همه در خواستهای جاری تان در راه پیمانی اول ماه مه قرار بدهید، و در جریان مبارزه و زندگی روزانه تان نیز برای ایجاد این تشکلهای مستقل حول درخواستهای صنفی جاری تان تلاش کنید. "چاره رنجبران، وحدت و تشکیلات است!" ما فرارسیدن اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران را به همه کارگران و زحمتکشان صمیمانه شادباش می‌گوئیم و از همه کارگران پیشرو، از همه فعالان و هواداران احزاب و سازمان های خود و از همه روشنفکران چپ و طرفداران کارگران و زحمتکشان می‌خواهیم تا با تمام توان خود، این فراخوان به برگزاری راه پیمانی اول ماه مه را در گستردگه ترین سطح به میان کارگران و زحمتکشان و بیکاران ببرند و آنان را در تدارک و سازماندهی این راه پیمانی در همه شهرهای ایران، بخصوص در تهران پاره دهند.

سرنگون باد رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی!

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۱۳۷۸ اردیبهشت

اتحاد چپ کارگری (۱)
همیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایران (۲)

- ۱- مشکل از : سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ، اتحاد فدائیان کمونیست ، هسته اقلیت ، گرایش سوسیالیسم و انقلاب (پروژه) ، فعالین سابق فدائی ، منفردین سوسیالیست کارگری ، اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
- ۲- مشکل از حزب کمونیست ایران ، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ، سازمان فدائیان (اقلیت) ، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

چندی است که شما موفق شده‌اید یازدهم اردیبهشت (اول ماه مه) را به عنوان روز کارگر به حکومت تحمل کنید. اما سرمایه داران و دولت آنها تلاش کرده‌اند که این روز را به روز وحدت کارگران با سرمایه داران و دولت و به روز سپاسگزاری از آنان تبدیل کنند! حال آنکه بیش از صد سال است که در کشورهای دنیا، اول ماه مه روزی است که کارگران، بیکاران، مردم زحمتکش و محروم ، از زن و مرد ، به خیابان ها سرازیر می‌شوند تا او لا در صفي واحد ، همبستگی و قدرت عظیم خود را به نمایش بگذارند. ثانیاً اعتراض خود را نسبت به ستم هائی که بر آنان می‌شود بیان و خواسته های عاجل و حیاتی خود را به صدای بلند اعلام کنند. شما که محروم ترین طبقات جامعه و اکثریت عظیم جمعیت کشور هستید و مشقات کار و یا بیکاری، فقدان حداقل تامینات اجتماعی و امانت شغلی، فقدان بیمه بیکاری، تعیین دستمزد میان زنان و مردان و فشارهای دیگر کمرتان را خم کرده و کارد به استخوانتان رسانده اند، حتی از این حق ساده محروم شده اید که در روز کارگر به خیابان بیاندازند و در همان حال حق اعتراض شما هر روز بدتر و تحمل ناپذیرتر می‌شود و همه جناح های حکومت همچون بیست سال گذشته می‌خواهند بار مشکلات مالی دولت را بردوش شما بیاندازند و در همان حال حق انتدایی و مسلم خود هم از شما بگیرند! اما شما باید از این حق انتدایی و هم سرنوشتتان دفاع کنید که مثل خواهان و برادران هم طبقه و هم سرنوشتتان در همه کشورهای جهان ، در اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت) آزادانه به خیابانها بیاندازید و بازو در بازوی هم راه پیمانی کنید. ما متخد و یکصد، شما کارگران و همه مردم زحمتکش و بیکاران و محرومان ایران را فرا میخواهیم که برای به کرسی نشاندن این حق مسلم خود ، در روز یازدهم اردیبهشت ماه امسال دست به راه پیمانی و تظاهرات بزنید، و هرسال با تکرار این اقدام، بکوشید تا حق راه پیمانی آزادانه نیروی کار و زحمت و محروم و لگدمال شدگان را جا بیاندازید و به استثمارگران و دولت آنان تحمل کنید. در راه پیمانی امسال ، طبعا در خواست های جاری و فوریتات را مطرح خواهید کرد از قبیل: "پرداخت به موقع دستمزدها" ، "جلو گیری از بیکارسازیها" ، "پرداخت بیمه بیکاری به کلیه بیکاران" ، "جلوگیری از سقوط قدرت خرید کارگران و افزایش دستمزدها به تناسب تورم" ، "برابری دستمزد زنان با مردان و کارگران خارجی با کارگران ایرانی برای کار مساوی" ، "اجراء پیمانهای دسته جمعی" وغیره.

اطلاعیه

تظاهرات ۲۴۰۰ کارگر نساجی طبرستان



کارگران اعلام کرده‌اند که اجازه نمی‌دهند سرمایه داران به زور گوئی خود ادامه داده و خودسرانه کارگران را اخراج و به خیابانها پرتاب کنند. مبارزه کارگران نساجی همچنان ادامه دارد. سازمان فدائیان (اقلیت) از خواستهای برق کارگران نساجی طبرستان قائم شهر دفاع میکند و خواهان بازگشت بکار کارگران اخراجی و پرداخت تمام حقوق و مزایای عقب مانده آنهاست.

مرگ بر نظام سرمایه داری
مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۳۷۸/۱/۲۲

۲۴۰۰ تن از کارگران نساجی طبرستان قائم شهر، روز شنبه، در قائم شهردست به تظاهرات زدند، در برابر کارخانه تجمع نمودند و خواهان تحقق مطالبات خود شدند.

کارفرمایان کارخانه نساجی طبرستان در اسفند ماه به بهانه های واهمی ، کارخانه را تعطیل نموده و ۲۴۰۰ کارگر این کارخانه را اخراج نمودند. این اقدام ضد کارگری در همان زمان مورد اعتراض کارگران قرار گرفت.

کارگرانی که سالها درین کارخانه عمر و زندگی خود را گذرانده‌اند تسلیم این زور گوئی کارفرمایان نشند. به کارگران وعده یازگشت به کار و پرداخت حقوق و مزایای معوقه آنها داده شد. اما به این وعده ها عمل نشد. لذا کارگران دست به تظاهرات زدند و خواستار بازگشت به کار و پرداخت حقوق و مزایای خود شدند.

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

تعریضی دیگر به حقوق کارگران

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

I.S.V.W اطرویش
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

I.S.F دانمارک
P.B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M.A.M سوئد
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

Sepehry سوئیس
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A.A.A فرانسه
MBE 265
23 , Rue L'ecourbe
75015 Paris
France

P.B. 22925 هولند
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کارگران کارگاههای بزرگتر بهره‌مند شده‌اند.
هر زمان هم که کارفرما اراده کرده، کارگران را اخراج کرده است. این واقعیت آنقدر روشن است که حتی سران خانه کارگر، که وظیفه ای جز تلاش برای سازش کارگر و سرمایه دار و به انحراف کشاندن مبارزات طبقه کارگر ایران ندارند، به آن اعتراض میکنند. محجوب دبیرکل خانه کارگر در این مورد میگوید: قانون کار هم اکنون هم به طور کامل در واحدهای تولیدی و کارگاههای کوچک اجرا نمی‌شود. البته این توجیه گر نظام سرمایه داری و طرفدار رژیم ضد کارگری اسلامی ادعا میکنده که به این علت همین قانون دست پخت حکومت اسلامی در کارگاههای کوچک به مرحله اجرا در نیامده است که وزارت کار و امور اجتماعی به قدر کافی بازرس در اختیارندارد.

برهه کارگری روشن است که این اظهارات، چیز دیگری جز توجیه گری یک طرفدار نظام سرمایه داری نیست. ضایع شدن حقوق صدھا هزار کارگر را نمی‌شود با کمبود بازرس توجیه کرد. در ذات و ماهیت رژیم جمهوری اسلامی نیست که از حقوق کارگر دفاع کند، و یا حتی مانع از پایامال شدن حقوقی گردد که ظاهرا بدرسمیت شناخته شده است. بالعکس جمهوری اسلامی همواره کوشیده است، مستقیم و غیر مستقیم، رسماً و باصطلاح قانوناً یا عملاً حقوق کارگران راضیاب و لگدمال کند. اما سوال اکنون این است که چرا جمهوری اسلامی در مقطع کوتني می‌خواهد به سیاستی که در عمل پیش برده است، با تغییر در قانون کار به آن رسمیت بخشد؟ واقعیت امر این است که این تغییری که می‌خواهد در قانون کار به زیان کارگران ایجاد کند، مقدمه ای بر یک رشته اقدامات دیگر علیه عموم کارگران، از جمله کارگران کارخانه های بزرگ است. از دورانی که رفسنجانی رئیس جمهور حکومت اسلامی بود، گروهی از سران و کارگزاران رژیم، مسئله ایجاد تغییراتی در قانون کار را به میان کشیده بودند. مقامات اقتصادی دولت رفسنجانی خواهان آنچنان تغییراتی در قانون صفحه ۱۴

جمهوری اسلامی که در طول تمام دوران حاکمیت خود، جز فقر و بدختی، گرسنگی و بیکاری، تشدید استثمار و سلب ابتدائی ترین حقوق کارگران ارمنی دیگری برای طبقه کارگر ایران نداشته، اقدامات ارتقای خود را علیه کارگران تشدید کرده است. اخیراً یک فوریتی طرحی در مجلس ارتعاج اسلامی به تصویب رسیده که دارای قطعیت یابد، بر طبق آن، کارگاههایی که دارای ۳ کارگر و کمتر هستند، رسمی از دایره شمول قانون کار کنار گذاشت خواهد شد.

این واقعیت بر کارگران ایران روشن است که قانون کار جمهوری اسلامی، یک قانون کار ارتقایی است به نفع سرمایه داران. در این قانون کار بسیاری از حقوق کارگران و حتی استانداردها و ضوابط بین المللی که دولتها موظف به رعایت هستند، نادیده انگاشته شده است. با تمام این اوصاف، جمهوری اسلامی، زیر فشار مبارزه کارگران، در شرایطی خاص، مجبور به پذیرش موارداندکی از حقوق کارگران گردید که در همین قانون کار موجود به آن رسمیت داده شده است. هر چند که بخشی از آنها نیز بر روی کاغذ باقی مانده در عمل نفی شده اند. اکنون رژیم جمهوری اسلامی در تلاش است تا با ایجاد تغییراتی در قانون کاربازیان کارگران، همان اندک حقوقی را هم که بدرسمیت شناخته شده بودند، از کارگران بازپس گیرد. طرح اخیر در واقع مقدمه ای براین سیاست و اقدامات ضد کارگری حکومت اسلامی است.

حقیقت امر این است که جمهوری اسلامی در چندین سال گذشته نیز عملاً همین سیاست را پیش برده و کارگران کارگاههای زیر ۵ نفر در عمل مشمول قانون کار نبوده و هیچگونه نظرارت و کنترلی هم براین کارگاههای اعمال نشده است. کارگران کارگاههای کوچک در عمل نه مشمول همان حداقل حقوق و دستمزد ناچیز تعیین شده از جانب دولت بوده اند، نه ساعات کار آنها محدود و مشخص بوده است، نه از حقوق و مزایای مربوط به باصطلاح بیمه های اجتماعی برخوردار شده اند و نه از دیگر حقوق و مزایای

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرسهای سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:
<http://www.fedaian-minority.org>

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 325 may1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق